

مطالعه جامعه‌شناختی پدیده زیست غیررسمی

کارتن خوابان در خانه‌پاتوق‌های شهر مشهد

مجید فولادیان^۱، مرتضی دنیاری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸

چکیده

پدیده بی‌خانمانی باتوجه به اهمیت ویژه آن در مسائل اجتماعی امروزه ایران، قابلیت پژوهش از جهات گوناگون را داراست. در این راستا، پژوهش حاضر در زمینه خانه‌پاتوق‌هایی انجام گرفته که در قدامت یکی از الگوهای زیست خیابانی مورد توجه کارتن خوابان بوده و به‌رغم اهمیت ویژه آن مورد غفلت واقع شده است. این پژوهش در پی ارائه تصویری بالنسبه ژرفانگر از پدیده خانه‌پاتوق است. پرسش اصلی تحقیق حاضر چنین بوده که اساساً چه عواملی منجر به گزینش خانه‌پاتوق جهت مراجعه روزمره و یا اسکان موقت در میان کارتن خوابان شده است؟ بدین منظور از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. جامعه نمونه شامل گروه‌های بی‌خانمانی بوده که در اشکال مختلف، به خانه‌پاتوق‌های شهر مشهد مراجعه کرده‌اند. ساکنان موقت، مراجعان روزانه، مالکان و متصدیان خانه‌پاتوق‌ها و در نهایت واسطه‌گران مواد مخدر، شامل این جامعه بوده‌اند. گردآوری یافته‌ها بر اساس نمونه‌گیری نظری و با استفاده از نمونه‌گیری گلوله‌برفی انجام شده است. در پژوهش حاضر، ۱۵ خانه‌پاتوق مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت با مردان و زنان بی‌خانمان ساکن موقت یا مراجعه‌کننده روزانه، مالکان خانه‌پاتوق‌ها، فروشندگان مواد مخدر، واسطه‌گران کالاها و مطلعین کلیدی مصاحبه انجام گرفته است. علاوه بر انجام ۳۰ مصاحبه، در پژوهش حاضر از مشاهده نیز بهره گرفته شده است. تحلیل داده‌ها به روش نظریه‌زمینه‌ای انجام شده است. بر مبنای یافته‌ها، خانه‌پاتوق به مثابه پناهگاه و ضمانت‌بخش امنیت نسبی کارتن خوابان، به عنوان پدیده محوری ذکر شده است. شرایط علی شامل زیست مسالمت‌آمیز پاتوق؛ تقابل با جرم‌انگاری، غریبگی با گرم‌خانه‌ها و خانه‌پاتوق‌ها؛ و مقوم درآمدزایی بوده است. شرایط زمینه‌ای شامل خانه‌پاتوق در قامت مهمان‌خانه کارتن خوابی، بهره‌مندی از اطلاعات خیابان‌خوابی و تمایل به پنهان‌سازی هویت خویش بوده و شرایط مداخله‌ای شامل عضویت در شبکه معتادان خانه‌پاتوق، روابط عاطفی و تسهیلات حوزه مواد مخدر است. استراتژی‌های استمراربخشی به تعاملات شبکه‌ای درآمدزا، کنش‌های مخاطره‌آمیز ضمانت‌بخش اعتبار، درآمدزایی در امر اسکان، واسطه‌گری و قاعده‌مندسازی رفت‌وآمد شناسایی شده است. در نهایت پیامدها شامل محرومیت از خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد، آسیب‌پذیری زنان و تشدید اعتیاد است. نتایج حاکی از آن است که رواج الگوهای درآمدی و شبکه‌ای و ازسویی شکل‌یابی شبه‌مهمان‌خانه معتادان، نقش مهمی در استقبال از خانه‌پاتوق‌ها ایفا کرده است. در نهایت غریبگی با گرم‌خانه و نامتناسب دانستن آن با جایگزینی به نام خانه‌پاتوق پاسخ داده شده است.

واژگان کلیدی: خانه‌پاتوق، زیست خیابانی، هم‌مصرفان، طردشدگان، پاتوق‌نشینی، عرضه و تقاضای جنسی.

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛ Fouladiyan@um.ac.ir

۲. کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه تهران؛ mortezadayyaree@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

فهم استراتژی‌ها و اشکال بی‌خانمانی امری ضروری است؛ چرا که الگوها و اشکال پنهان و غیررسمی به نوعی حیات خیابان‌خوابی و اشکال اسکان رسمی نظیر گرم‌خانه‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. عمومیت مداخله در میادین کارتن‌خوابی سبب شده تا امروزه غالب گروه‌های بی‌خانمان، تجربه اسکان در گرم‌خانه‌ها و کمپ‌های ترک مواد مخدر را دارا باشند. با این همه، به نظر می‌رسد پیروی از رویکرد جرم‌نگاری در حوزه سیاست‌گذاری بی‌خانمانی، شبکه‌های غیررسمی و اسکان حاشیه‌ای بی‌خانمانی را نیز تشدید ساخته است. به‌رغم تلاش‌های پرهزینه سازمان‌های دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد، امروزه بی‌خانمانی یکی از مسائلی است که در بطن شهرها ریشه دوانده است. مواجهه با بی‌خانمانی از یکسو مبتنی بر پاک‌سازی و ازسویی منطبق بر منش حمایت‌گری از فرودستان بوده است. رویکرد جرم‌نگاری بی‌خانمانی در کشورهای مختلف اروپایی نیز به‌کارگرفته شده است. برای نمونه، مطابق با قانون مصوب سال ۱۹۸۵ مجارستان، هرکس در خیابان‌ها به‌شکل عمومی زندگی کند و اعمال روزمره خویش را در بستر خیابان انجام دهد، مستحق مجازات است (گیوری^۱، ۲۰۰۹). در ایران نیز پروژه‌های جمع‌آوری معتادان متجاهر از ویژه‌ترین برنامه‌های مواجهه مقابله‌گرایانه با زیست‌خیابانی است. با این همه احتمالاً ضروری خواهد بود تا درباره بی‌خانمانی و علل پدیدآورنده آن اشاراتی صورت پذیرد. افزایش قیمت مسکن در چندسال اخیر (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸) و بحران اعتیاد که شیوه زندگی معتادان را دستخوش تغییراتی جدی ساخته است (به نقل از ایتزن^۲ و همکاران، ۱۳۹۶)، زمینه بی‌خانمانی بسیاری را فراهم ساخته و چنین امری زمینه‌ساز فقر معیشتی خواهد بود (هاسکت، ۲۰۱۴: ۷). این افراد در نتیجه بحران اعتیاد، شغل خود را از دست رفته دیده و در معرض طرد شدید قرار دارند (زیبرا^۳، ۱۳۸۵). گروه‌های بی‌خانمان به مشاغلی نظیر تکدی‌گری، دست‌فروشی و معامله مواد مخدر روی می‌آورند (فیوراتی^۴، ۲۰۱۴). مسیر بی‌خانمانی افراد دربردارنده بحران‌های فقر، طرد اجتماعی و اعتیاد است (چمبرلین^۵، ۲۰۱۴). بنابراین کارتن‌خوابان به‌دنبال

-
1. Gyóri
 2. Eitzen
 3. Zabra
 4. Fiorati
 5. Chamberlain

راه‌های درآمدی جهت تأمین مواد مخدر و امور روزمره خویش هستند. با این وجود مشخص نیست که اعتیاد و بی‌خانمانی از چه نوع روابط علت و معلولی برخوردار است (مشونیس^۱، ۱۳۹۵: ۴۵۸). فارغ از اعتیاد، پدیده‌هایی هم‌چون بحران مسکن، طرد اجتماعی، بحران سرپرست، سازگاری تحمیلی با پاتوق‌نشینی خود علل اصلی بروز کارتن‌خوابی در ایران است (دیاری، ۱۳۹۸: ۶۶). بی‌خانمانی در درجه اول به عنوان یک رویداد یا دنباله‌ای از حوادث رخ می‌دهد که کسی از طریق آن بی‌خانمان می‌شود (سامروایل^۲، ۲۰۱۳: ۴۰۸).

به‌رغم ضرورت شناسایی ضروری‌ترین نیازهای بی‌خانمان‌ها، به نظر می‌رسد جرم‌انگاری زیست خیابانی بر مصائب اشکال بی‌خانمانی در ایران افزوده است. ممانعت از مصرف مواد مخدر در گرم‌خانه‌ها، عدم تفکیک معتادان و افراد در حال ترک مواد مخدر، عدم پذیرش مراجع در ساعات پایانی شب و درنهایت نادیده‌انگاری حقوق اولیه بی‌خانمان‌ها، نیاز به یک جایگزین ویژه را نتیجه داده است. در واقع کارتن‌خوابان در نظام غیررسمی و تعاملات شبکه‌ای پنهان، خانه‌پاتوق، پاتوق‌های خیابانی، گورخوابی، پشت‌بام‌خوابی، کوره‌خوابی و خیابان را به سکونت رسمی شبانه ترجیح داده‌اند.

اساساً بی‌خانمان‌ها افرادی هستند که منزوی شدن را به‌عنوان یک بحران اجتماعی تجربه می‌کنند. گذشته از این، این افراد اخراج از کار، طردشدگی و نادیده‌گرفته شدن را تجربه کرده‌اند (تایمر^۳، ۲۰۱۹: ۲۳). به گفته بلچر^۴ (۲۰۱۲)، این افراد اغلب هدف نیروهای امنیتی مانند پلیس قرار گرفته و از منطقه‌ای به مناطق پایین‌تر جوامع منتقل می‌گردند. چنین اقدامی در ذهن افراد بی‌خانمان این تفکر را القاء می‌کند که تهدیدی برای جامعه هستند.

مرور پژوهش‌ها در کشورهای مختلف نشان‌دهنده اهمیت عدم‌سازگاری بی‌خانمان‌ها با پناهگاه‌ها و پیاده‌سازی طرح‌های پاک‌سازی در امر پنهان‌بودگی زیست خیابانی است. در واقع به‌نظر می‌رسد مواجهه جرم‌انگارانه با بی‌خانمانی و عدم‌تناسب کافی شرایط زیست گرم‌خانه‌ای با خصیصه‌های کارتن‌خوابی، نیاز به زیست پنهان را ضرورت بخشیده است. شکل‌گیری شبه‌پاتوق‌های کارتن‌خوابی در مجاورت اتوبان‌های کلان‌شهری، اسکان‌یابی در خانه‌های محل

1. Macionis
2. Somerville
3. Timmer
4. Belcher

تجمع معتادان - ملقب به خانه پاتوق‌ها -، اسکان‌یابی در پشت‌بام‌ها و جست‌وجوی شغل‌های فراهم‌آور مسکن نظیر نگهبانی و کارگری در مغازه، همه نشانه‌هایی از جنبه ضرورت‌بخش زیست خیابانی است. گام نخست این پژوهش، توصیف، کشف و فهم این پدیده در شهر مشهد است. در ادامه و در بستر این کشف و تفهم نسبی، مسئله پژوهش حاضر متمرکز بر ویژگی‌ها، کارکردها و پیامدهای خانه‌پاتوق‌ها و به‌نوعی شرایط زمینه‌ساز آن خواهد بود.

مشهد در قامت یک کلان‌شهر، گروه‌های فرودست پرشماری را در مناطق حاشیه‌ای خود جای داده است. دسترسی آسان به مواد مخدر، یکی از دغدغه‌های اصلی معتادان است. با تغییرات قیمت مسکن و مخاطره بی‌خانمان شدن، نیاز به مأمی حدافلی، ولو مقطعی، نیازی بی‌بدیل بوده است. بنابراین گرایش به خانه‌پاتوق‌ها به جهت تأمین و مصرف مواد مخدر، زمینه فعالیت این مراکز را فراهم ساخته است. خانه‌هایی که ملقب به خانه‌پاتوق‌اند، ماهیتی غیرقانونی و زیرزمینی داشته و در راستای پنهان‌سازی فعالیت معتادان شکل گرفته‌اند. یکی از پیامدهای جدی، تأمین نیازهای معتادان در این مراکز و عدم‌گرایش به حضور در گرم‌خانه‌های رسمی است. پیامد دیگر، پناه‌آوری زنان بی‌خانمان به این مراکز و جریان‌یابی روابط جنسی بوده که خود زمینه‌ساز بروز بیماری‌های مقاربتی است. عدم دسترسی به وسایل محافظت جنسی به‌واسطه ماهیت پنهان فعالیت این مراکز، پیامدهای مختلفی را به همراه داشته است. در اساس تعقیب و گریز بی‌خانمان‌ها در شهر مشهد و تخریب گتوهای کارتن‌خوابی نظیر اسماعیل‌آباد، همت‌آباد، قلعه‌ساختمان و بسیاری دیگر، همچنین ضرورت تأمین بقاء، سبب سامان‌بخشی به زندگی خیابانی شده است. بنابراین رویکرد جرم‌انگاری اعتیاد و بی‌خانمانی در شهر مشهد، مناطق مختلفی را به محل زندگی غیررسمی کارتن‌خوابان بدل ساخته است. تبدیل خانه‌های متروکه به خانه‌پاتوق، اجاره روزانه خانه به معتادان و تبدیل خانه‌های کارگری به اقامتگاه شبانه یا روزانه معتادان بی‌خانمان، در سراسر محلات حاشیه‌ای شهر مشهد قابل مشاهده است.

یکی از مخاطرات این نوع از زندگی برای افراد، محرومیت از خدمات سازمان‌های مردم‌نهادی است که برای تخصیص غذا، دارو و وسایل محافظت جنسی اقدام می‌کنند. هراس از دستگیری سبب شده تا مجوز ورود و خروج تنها برعهده مالک خانه‌پاتوق باشد. زنان بی‌خانمان در معرض تعرض جنسی و بیماری‌های مختلف قرار داشته‌اند. مکان ثابت اما محدود مصرف

مواد در خانه‌پاتوق‌ها سبب مصرف مواد مخدر مختلف نیز شده است. محدودیت این فضاها منجر به شکل‌گیری شبکه‌های هم‌مصرف مواد نیز هست. در شهر مشهد، با توجه به تجمع معتادان در نقاط حاشیه‌ای مختلف، واسطه‌گری مواد مخدر به‌عنوان یک استراتژی درآمدی در خانه‌پاتوق‌ها ظاهر شده است. بنابراین یکی از مخاطرات جدی، محکومیت بی‌خانمان‌ها به زندان بوده است.

در اساس پناه‌آوری کارتن‌خوابان به مراکز غیررسمی (خانه‌پاتوق) به دنبال الزام به پاسخگویی به نیازهای خویش بوده است. نیازهایی که از منظر حوزه سیاست‌گذاری یا چندان اهمیت پیدا نکرده و یا مغفول مانده است. احتمالاً نیروی انتظامی مهم‌ترین کنشگر در زمینه مواجهه جرم‌انگارانه با حیات کارتن‌خوابی است. بنابراین تقللاً برای پنهان‌سازی حیات غیررسمی در خانه‌پاتوق با هدف حراست از قلمرو ناشناخته، اما حیاتی صورت گرفته است.

به نظر می‌رسد مطابق با گسترش خانه‌پاتوق‌های درهم‌تنیده در محلات حاشیه‌ای و در جوار پاتوق‌های کارتن‌خوابی پرشمار در کلان‌شهرهای ایران، شناسایی پدیده‌هایی نظیر خانه‌پاتوق که دارای پیوندی اساسی با بی‌خانمانی است، در راستای ارائه شناختی مستدل و موثق به‌منظور بهبود و کارآمدسازی مداخلات اجتماعی و مراقبت‌گونه ناظر بر آن، امری ضروری باشد. براین اساس و مطابق با وجوه زیست پنهان کارتن‌خوابی در مراکزی به نام خانه‌پاتوق، این پژوهش در پی مطالعه جوانب مختلف این پدیده و شرایط حاکم بر آن است. درحقیقت رویکرد پژوهش حاضر ژرفانگر بوده و پرسش‌هایی اساسی را دنبال می‌کند: الگوی زیست پنهان در خانه‌پاتوق‌های موجود از چه قرار است؟ چه شرایطی منجر به شکل‌گیری پدیده خانه‌پاتوق شده است؟ راهبردهای کارتن‌خوابان در مقام عاملان اجتماعی در نسبت با آن چیست؟ پیامدهای چنین زیستی در نهایت چه خواهد بود؟

پیشینه و ملاحظات نظری

بررسی پژوهش‌های انجام‌گرفته گویای این است که در ایران پژوهشی به مطالعه پدیده خانه-پاتوق‌ها ورود پیدا نکرده است. آنچه در پژوهش‌های پیشین می‌توان یافت، مجموعه‌ای تحقیقات در حوزه کارتن‌خوابی و اعتیاد است. در کشورهای خارجی نیز به‌رغم جست‌وجوهای فراوان، پدیده‌ای مشابه خانه‌پاتوق یافت نشد. در واقع خانه‌پاتوق را می‌توان پدیده‌ای منحصر به

کارتن‌خواب‌های ایران دانست. با این همه پژوهش‌های مختلفی درباره جرم‌انگاری بی‌خانمانی، سبب‌شناسی ناکارآمدی گرم‌خانه‌ها و پناهگاه‌ها، سیاست‌گذاری و اعتیاد معتادان انجام پذیرفته است. در خلال این پژوهش‌ها به پنهان‌بودگی زیست‌خیابانی نیز پرداخته شده است. پژوهش‌های داخلی عمدتاً بر عوامل بی‌خانمانی متمرکز بوده‌اند. پژوهش آقایی و همکاران (۱۳۹۶) با هدف بررسی نقش فضای شهری بر زندگی بی‌خانمان‌ها انجام شده است. محققان با استفاده از روش ترکیبی، مهاجرت را عاملی اساسی در گرایش به بی‌خانمانی دانسته‌اند. محرومیت اجتماعی فرودستان نقش عمده‌ای در بی‌خانمان شدن ایفا کرده است. به نظر می‌رسد پژوهش حاضر در تعمیق مسیرهای بی‌خانمانی چندان موفق عمل نکرده است. غفلت از شرایط مداخله‌گر و استراتژی‌های افراد بی‌خانمان، از نقص‌های این پژوهش بوده است. پژوهش کلانتری و همکاران (۱۳۹۵) با هدف بررسی ابعاد سیاست‌گذاری در حوزه بی‌خانمانی انجام شده است. تکیه بر روش اسنادی و مرور آمارهای مربوط به گرم‌خانه‌ها، نتایج مختلفی را به همراه داشته است. روند بی‌خانمانی همواره سیری صعودی داشته است. عدم دسته‌بندی گروه‌های بی‌خانمان و غفلت از تمایزات گرم‌خانه‌ها، یکی از ضعف‌های پژوهش مذکور است. پژوهش صدیق سروستانی و نصراصفهانی (۱۳۸۹) نیز متمرکز بر شناسایی عوامل کارتن‌خوابی بوده است. محققان با بهره‌گیری از روش کیفی، با تعدادی از کارتن‌خوابان مصاحبه انجام داده‌اند. اعتیاد و طرد اجتماعی مهم‌ترین عوامل کارتن‌خوابی شناخته شده است. باتوجه به عدم تیپولوژی گروه‌های بی‌خانمان، تمایزات میان مسیرهای بی‌خانمانی مشخص نیست. دیاری (۱۳۹۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با استفاده از روش کیفی به بررسی زمینه‌های بی‌خانمان‌شدن پرداخته است. بحران سرپرست، بحران مسکن، اعتیاد، طرد اجتماعی، سازگاری تحمیلی با بی‌خانمانی و مهارت‌های زیست‌خیابانی، نقش ویژه‌ای در تداوم و تثبیت بی‌خانمانی داشته است. در این راستا، یکی از استراتژی‌های شناسایی‌شده، مراجعه به مراکز غیررسمی به نام خانه‌پاتوق بوده است. دیگر پژوهش دیاری (۱۳۹۷) به بررسی فرآیندهای بی‌خانمانی زنان پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش کیفی، عواملی نظیر فرار از منزل، ازدواج با همسر معتاد، ترک منزل توسط همسر و بحران سرپرست را شناسایی کرده است.

پژوهش رابینسون^۱ (۲۰۱۷) با هدف بررسی محدودیت‌های قانونی متمرکز بر زندگی روزمره بی‌خانمان‌ها و ارزیابی تأثیرات آن در دنور انجام شده است. این پژوهش با استفاده از رویکرد کمی انجام شده و نتایج نشان می‌دهد که بی‌خانمان‌های دنور زمانی که از خوابیدن در فضای عمومی منع می‌شوند، سعی می‌کنند تا شیوه‌های خواب و زمان خواب را تغییر دهند. در واقع این بازدارندگی لزوماً منجر به استفاده از خدمات حوزه بی‌خانمانی نمی‌شود. در اساس جرم‌انگاری زیست خیابانی به بهبود کیفیت زندگی ختم نمی‌شود. آیکانین و فوگل^۲ (۲۰۱۹) ضمن تمرکز بر سیاست‌های بی‌خانمانی، پژوهشی با هدف ارزیابی رویکردهای سیاستی در حوزه بی‌خانمانی به انجام رسانده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش اسنادی و مرور انتقادی سیاست‌ها تحقق یافته است. نتایج نشان می‌دهد که بی‌خانمان‌ها نه تنها از کیفیت زندگی قابل اعتنا محروم‌اند، بلکه تحت فقر شدید و طردشدگی نیز قرار دارند. مرور یافته‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های بی‌خانمان با تحمل فشارهای شدید، به دنبال پنهان‌سازی خویشان و در معرض انزوای اجتماعی و زندگی پنهان قرار دارند.

پژوهش لانکنائ^۳ و همکاران (۲۰۰۴) با استفاده از روش‌های کمی و کیفی، به دنبال شناسایی استراتژی‌های افراد بی‌خانمان در مواجهه با مصائب زندگی در خیابان بوده است. در بخش کمی نمونه از میان اطلاعات گردآوری شده توسط پناهگاه‌ها به صورت تصادفی گزینش شده است. در بخش کیفی با مردان تازه‌وارد و پرسابقه مصاحبه انجام شده و افراد با نمونه‌گیری هدفمند گزینش شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اساساً سرمایه خیابانی به‌عنوان مقوله‌ای مطرح است که در آن کارتن‌خوابان با سپری کردن سال‌های متمادی در خیابان، با جوانب عمده زیست خیابانی، امکانات آن و استراتژی‌ها آشنایی پیدا کرده و با این شناخت زیست خود را تضمین می‌کنند. درنهایت محقق از حمایت‌های پرسابقه‌های کارتن‌خواب از تازه‌واردها و جوان‌ها نتیجه‌گیری می‌کند که این امر در قبال روابط جنسی و عاطفی رخ می‌دهد. تداوم زیست خیابانی در طول سال‌ها، در نتیجه یادگیری مهارت‌های زیست در خیابان تحقق یافته است.

1. Robinson
2. Aykanian, A, Fogel, S
3. Lankenau

پژوهش واتس^۱ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی سیاست‌های مربوط به بی‌خانمانی پرداخته است. این پژوهش با هدف ارزیابی سیاست‌ها، با استفاده از روش اسنادی، مهم‌ترین جوانب سیاستی را برشمرده است. فاصله‌گیری از رویکردهای قهری و پیروی از انعطاف، مهم‌ترین تأکید واتس و همکاران بوده است؛ چراکه پیامدهای مواجهه تنبیهی غیرقابل جبران به نظر می‌رسد. بل والش^۲ (۲۰۱۵) نیز با استفاده از روش قوم‌نگاری، به مشاهده اعمال بی‌خانمان‌ها پرداخته‌اند. شکل‌گیری گروه‌های جمع‌آوری بطری به منظور بقا، یکی از استراتژی‌های درآمدزایی افراد بوده است. طرد بی‌خانمان‌ها پیامدهای جدی نظیر انزوای اجتماعی به همراه داشته است. فیوراتی و همکاران (۲۰۱۴) نیز در پژوهشی مشابه، با هدف بررسی زندگی روزمره بی‌خانمان‌های برزیل، به رویکرد قوم‌نگاری تکیه کرده‌اند. بازیافت، شست‌وشوی خودروها و سایر مشاغل غیررسمی، مهم‌ترین اقدامات روزمره بی‌خانمان‌ها بوده است. اجتماعات غیررسمی نوعی استراتژی به منظور تأمین بقا بوده است. کانینگهام و اسلید^۳ (۲۰۱۹) نیز با استفاده از روش پیمایش و مصاحبه گروهی، به بررسی گتوهای کارتن‌خوابی خودمختار پرداخته‌اند. محرومیت از خواب مناسب و آوارگی، سلامت اجتماعی بی‌خانمان‌ها را به مخاطره انداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد خوابگاه‌های تعبیه شده چندان به مذاق بی‌خانمان‌ها خوش نیامده و آنان در پی سکونت در گتوها بوده‌اند. عدم پاسخگویی به نیازهای بی‌خانمان‌ها سبب ترک خوابگاه‌ها شده است.

درنهایت چمبرلین (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی مسیرهای بی‌خانمانی پرداخته است. استفاده از تحلیل ثانویه با هدف تیپولوژی بی‌خانمان‌ها صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بحران مسکن و اعتیاد، نظام درآمدی بی‌خانمان‌ها را دستخوش تغییراتی جدی ساخته و بروز بحران‌های ناگهانی نظیر اخراج، مرگ سرپرست و نظایر آن، زمینه بی‌خانمان‌شدن را فراهم ساخته است (چمبرلین، ۲۰۱۱، ۲۰۱۴).

پژوهش شیر^۴ و همکاران (۲۰۰۷) با هدف بررسی بایسته‌های گرم‌خانه، به نقد ابعاد مختلف گرم‌خانه‌ها پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل ثانویه انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد کسانی که با شرایط و قوانین پناهگاه انطباق کافی نداشته‌اند، نسبت به حضور تمایل

1. Watts

2. Bell, M., & Walsh

3. Cunningham & Slade

4. Shier

کمتری نشان داده‌اند. ازسویی، دسترسی به پناهگاه و امکانات حمل‌ونقل، نقشی ویژه در اسکان منظم و بلندمدت افراد ایفا کرده است. در صورتی که دسترسی به میزان کافی آسان نباشد و امکانات جابه‌جایی وجود نداشته باشد، میزان حضور در پناهگاه‌ها تقلیل پیدا می‌کند. پژوهش کالهرین^۱ و همکاران (۲۰۰۷) نیز به بررسی نیازهای افراد بی‌خانمان در گرم‌خانه‌ها پرداخته است. محققان با استفاده از روش پیمایش بیان داشته‌اند که گرم‌خانه‌ها نباید خدمات خود را به غذای گرم و خواب تقلیل دهند؛ بلکه بایستی به بازگشت کارتن‌خوابان به جامعه نیز کمک کنند.

از آنجایی که به‌طور انحصاری پژوهشی به حوزه خانه‌پاتوق‌ها پرداخته است، نوعی فقر پژوهشی در این حوزه از اعتیاد احساس می‌شود. با وجود خانه‌پاتوق‌های پرشمار در محلات مختلف حاشیه‌ای کلان‌شهرهایی نظیر تهران و مشهد، و به تبع آن استقبال نسبتاً زیاد بی‌خانمان‌ها و فرودستان معتاد، مطالعات چندانی در این باره انجام نگرفته است. آنچه که در حوزه بی‌خانمانی در میان پژوهشگران مورد اقبال واقع شده، کم‌وکیف مقوله‌هایی نظیر اعتیاد، طرد اجتماعی و سیاست‌گذاری آن بوده است. با این همه حتی در حوزه بی‌خانمانی نیز به‌نظر می‌رسد پژوهش‌های گسترده‌ای وجود ندارد. پژوهش کلانتری و دیگران (۱۳۹۵) با بررسی شواهد به سیر صعودی شمار بی‌خانمان‌ها پرداخته است. افزایش شمار بی‌خانمان‌ها زمینه‌های استقبال از خانه‌پاتوق‌ها را نیز فراهم ساخته است. از سویی تقاضا برای مواد مخدر و پیاده‌سازی رویکرد جرم‌انگاری نیاز به زیستی پنهان را نتیجه داده است. این امر مطابق با پژوهش دیاری (۱۳۹۸)، نشان‌دهنده اهمیت پرداختن به حوزه‌های جرم‌انگاری و گرم‌خانه‌ای مسئله بی‌خانمانی است. در ایران پژوهش چندانی درباره گرم‌خانه‌ها و رویکرد جرم‌انگاری صورت نگرفته است و پژوهش‌های خارجی نظیر آیکانین و فوگل (۲۰۱۹)، رابینسون (۲۰۱۷) و لانکنا (۲۰۰۴)، به دلایل شکل‌گیری زیست پنهان بی‌خانمانی و رونق‌یابی سرمایه‌خیابانی پرداخته‌اند. دسته‌بندی پژوهش‌ها به حوزه‌های جرم‌انگاری، گرم‌خانه‌ای، سیاست‌گذاری و زیست روزمره بی‌خانمان‌ها به فهم بهتر جوانب زیست پنهان بی‌خانمان‌ها کمک خواهد کرد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی پدیده خانه‌پاتوق است. همان‌طور که اشاره شد، غالب پژوهش‌ها به بررسی زندگی خیابانی متمرکز بوده‌اند و کمتر پژوهشی به بررسی وجوه پنهان زندگی کارتن‌خوابان در شهر مشهد پرداخته است.

طرد اجتماعی: مطابق با تعریف واحد طرد اجتماعی انگلستان، طرد اجتماعی «یک برچسب مختصر برای چیزی است که می‌تواند زمانی اتفاق افتد که یک‌سری افراد یا مناطق از ترکیبی از مشکلات مرتبط مانند بیکاری، مهارت‌های ناچیز، مسکن بد، محیط‌های جرم بالا، سلامت بد و فروپاشی خانوادگی رنج می‌برند» (غفاری، ۱۳۹۴: ۲۷۵).

محصورسازی فضا: هاروی^۱ (۲۰۱۲) در حق به شهر، از پدیدار دوقطبی‌ای سخن می‌گوید که در آن توزیع ثروت به‌گونه‌ای است که سبب شکل‌گیری بخش‌هایی محصور شده است. او در ارتباط با شکل هژمونیک سیاست و نولبرالیسم می‌نویسد: «نتایج توزیع ثروت و قدرت آگاهانه در اشکال فضایی شهرهای ما حک شدند که هرچه بیش‌تر شهرهایی شدند با بخش‌های محصور، اجتماعات در بسته و فضاها عمومی خصوصی شده که تحت مراقبت دائمی بودند» (هاروی، ۱۳۹۵: ۴۴). فرودستان بی‌خانمان که در خیابان‌ها زندگی می‌کنند، اغلب به گرم‌خانه‌ها مراجعه‌ای ندارند؛ در این راستا، نیاز به فضایی غیررسمی ضرورت پیدا می‌کند این فضا می‌تواند پاتوق یا خانه‌پاتوق باشد. در حالی که محرومیت از سرپناه، تداعی‌گر محرومیت و طردشدگی است (باروز، ۱۳۹۶، تاینر^۲، ۲۰۱۲، هایس^۳، ۲۰۰۸).

خانه‌پاتوق: با مرور منابع داخلی و خارجی، تعریف دقیقی از خانه‌پاتوق یافت نشد. با این همه، در چند پژوهش خارجی مشابهت‌هایی یافت شد. طبق پژوهش ویزبورد و همکاران (۲۰۰۶)، خانه‌پاتوق در منطقه‌ای متروک قرار دارد که خانه‌های مسکونی زیادی در آن اشغال نشده است. فعالیت پررنگ حول مواد مخدر، حضور زنان روسپی و سرقت، از شاخصه‌های آن است. دیوارنویسی، زمین‌های خالی از سکنه، خانه‌های آسیب‌دیده و نظایر آن موجب شده تا پرداختن به مصرف گروهی مواد مخدر، روسپی‌گری و فعالیت‌های بزه تشدید پیدا کند. خانه‌پاتوق محلی است در آن گروه‌های مصرف‌کننده مواد مخدر و افراد بی‌خانمان با حضور روزانه یا هفتگی در پی تأمین نیازهای روزمره خویش‌اند. حضور زنان روسپی بی‌خانمان موجب شکل‌گیری عرضه و تقاضای جنسی دوسرمتاد در این اماکن شده است. خانه‌پاتوق‌ها در محلات حاشیه‌ای شهر مشهد و به موجب تأمین بقا شکل گرفته است (دیاری، ۱۳۹۸). منظور از

1 Harvey
2 Tyner
3 Hayes

خانه‌پاتوق، تخصیص مکانی به گروهی از هم‌مصرفان است که به صورت غیررسمی تشکیل یافته است. این مراکز غیرقانونی بوده و در پی گریز از نیروهای امنیتی شکل گرفته است. مراجعه افراد پرشمار بی‌خانمان به خانه‌پاتوق‌ها، سبب ایجاد درآمد برای سایر گروه‌ها نظیر زنان روسپی و فروشندگان مواد مخدر بوده است.

بی‌خانمانی: بی‌خانمانی نوعی از خودبیگانگی است که در آن افراد پیوندشان با جامعه را از دست داده‌اند. بی‌خانمانی بسیار مبهم بوده و تعریف آن همواره مناقشاتی اساسی به‌همراه داشته است. برطبق تعریف استاکس (۲۰۰۳)، بی‌خانمانی به‌معنای محرومیت از مسکن، محرومیت اجتماعی و مشکلات اجتماعی و روحی افراد است (راون‌هیل، ۲۰۰۸: ۹). برای تعریف بی‌خانمانی ابتدا باید توجه داشت که خانه به چه معناست. خانه به‌معنای سرپناهی است که فراهم‌آور امنیت، فضای شخصی و استراحتگاه باشد (راون‌هیل^۱، ۲۰۰۸: ۱۱).

طبق تعریف سایت «خانه‌سازی اجتماعی در عمل»، اصطلاح «Sleeping Rough People» عبارت است از خوابیدن در خیابان، کوچه، کنار سطل‌های زباله، مکان‌های گرم یا در جاهایی که سکونتگاه انسانی محسوب نمی‌شوند. با توجه به این گستره معنایی و ادبیات مشابه در زبان پارسی، مترجم، اصطلاح کارتن‌خواب را معادل این اصطلاح انتخاب کرده است (باروز^۲، ۱۳۹۶: ۴۶۱).

به‌رغم نظریات متعددی که در حوزه بی‌خانمانی ساخته و پرداخته شده، مرور تعدادی از نظریات به شفافیت وجه پرابلماتیک پژوهش حاضر کمک خواهد کرد. در این بخش به تعدادی از رویکردهای نظری پرداخته شده است. رویکرد گفتمان انضباطی فوکو، رویکرد فضای شهری هاروی و رویکرد مکان‌بی‌مکان رلف از جهات گوناگونی به مسئله فضا و مکان پرداخته‌اند. در نهایت رویکرد طرد اجتماعی، دربردارنده یک فرآیند و تغییرات ساختاری است.

مطابق با نظریه گفتمان انضباطی فوکو (۱۳۹۲)، فرآیندهای انتظام‌بخش در راستای برخوردهای زندان‌گونه با گروه‌های مختلفی است که جامعه حضور آنان در عرصه عمومی را برنمی‌تابد. در نهایت شکل‌گیری گتوها تاحدی محصول چنین رویکردهایی است. نظریه‌پردازان حوزه جرم‌شناسی نظیر نوبک (به نقل از صادقی، ۱۳۹۲) به جریان سرمایه‌داری و تأثیر آن بر

1. Ravenhil
2. Baroz

کنش‌های ضروری در راستای بقا اشاره دارند. از آن‌جا که جرم محصول قانون است، باید به این نکته توجه داشت که عموم قانون‌گذاران تحت لوای قدرتمندترین بخش‌های جامعه هستند. افرادی که رفتارشان به مثابه جرم تعریف می‌شود، خود را مجرم می‌بینند. در این شرایط جرم یک واقعیت اجتماعی برساخته جلوه می‌کند (نوبک^۱، ۲۰۰۷). کارتن‌خوابان زمانی که با محدودیت‌های کنش‌های درآمدزا مواجه می‌شوند، روی آوردن به شبکه‌های جرم را استراتژی‌ای مطلوب به قصد تأمین منابع مالی برمی‌گزینند. در این راستا پابندی به شبکه در زمینه توزیع مواد مخدر، سرقت‌های گروهی و عرضه و تقاضای جنسی، جایگزین مناسب‌تری نسبت به جمع‌آوری ضایعات و تلاش برای دستیابی به شغل است. داغ ننگ اعتیاد مانع از دستیابی به شغل بوده و مقابله با جمع‌آوری ضایعات توسط گشت‌های باز یافت شهری، روند درآمدزایی و بقای افراد را به خطر انداخته است. از سویی نظریه پردازان حوزه جرم‌شناسی فرهنگی نظیر دنزین، به جامعه‌نمایشی اشاره دارند که در آن رسانه‌ها دارای توان هژمونی بر معناها هستند (آباندینسکی و وینفری، ۲۰۰۳). در این رویکرد، حاشیه‌نشینی و فضا به‌عنوان معانی جرم شناخته می‌شوند. فضاهای پاتوق کارتن‌خوابی به پایگاه بزهکاری معتادان بدل شده و این مهم توسط رسانه‌ها تحقق پیدا می‌کند.

هاروی (۱۳۹۵) در اثر حق به شهر، به مسئله انباشت سرمایه از طریق زاد و رشد شهری پرداخته است. به عقیده هاروی (۱۳۹۵: ۴۱)، روند رونق‌یابی سکونت شهری به تبع فازهای مختلف صنعتی شدن حتی در کشورهای توسعه یافته، در عمل از مرحله‌ای به بعد کاملاً از کنترل خارج گشت که در نتیجه آن، ائتلافی ناگزیر از فقیرترین فقرا و پایین‌ترین سطوح از پردشدگان اجتماعی، جماعت‌های بی‌خانمان شهری را شکل دادند. مطابق با برداشتی آزاد از دیدگاه هاروی^۲ (۲۰۱۲)، در ایران نیز بحران مسکن در کلان‌شهرهایی چون تهران و مشهد همراه با تزاید حضور مهاجران تهی‌دستی که با سودای تأمین معیشت، جابه‌جایی را تجربه کرده‌اند، ناگزیری زیست حاشیه‌ای در حین توسعه شهری را نتیجه داده‌است. تشدید زیست حاشیه‌ای به نوبه خود، سبب شکل‌گیری مناسبات پردشدگان و به‌حاشیه‌رانده‌شدگانی شده است که در فضایی محصور، در پی تأمین بقا و نیازهای ضروری خود با یکدیگر تشکیل اجتماع داده‌اند.

1. Neubeck
2. Harvey

به عبارت دیگر، پاتوق کارتن‌خوابی در اساس نوعی مواجهه با محصورسازی فضای شهری به دست ثروتمندان است.

بنا به باور هاروی (۱۳۹۵: ۸۲)، تولید فضا و انحصارهای جغرافیایی با پویای سرمایه هم‌پیوند می‌شود، بدین معنا که نه صرفاً به سبب اهمیت الگوهای متغیر جریان‌های کالا در فضا بلکه به سبب خود سرشت فضاهای خلق‌شده و تولیدشده و به سبب مکان‌هایی که چنین حرکت‌هایی در آن رخ می‌دهد. هاروی با اشاره به گروه‌های بی‌خانمان، از مبارزه برای دسترسی به فضای عمومی سخن می‌گوید. «بی‌خانمان‌هایی که برای حق‌شان در برخورداری از مسکن و خدمات اولیه مبارزه می‌کنند، قدرت خلق فضاهای مشترک تازه در راستای اجتماعی‌سازی و اقدام سیاسی را دارا خواهند بود».

از نظر لوفور^۱، فضا نقطه نهایی و میانجی منازعه است و در نتیجه یک موضوع سیاسی حیاتی است. در واقع سیاست‌های فضایی وجود دارد زیرا فضا امری سیاسی است (لوفور، ۱۹۷۶). از سویی فضا با مناسبات اقتصادی نیز پیوندی تنگاتنگ دارد، به گونه‌ای که در تولید فضای اجتماعی نوعی خشونت مستتر است که در عمل در راستای اهداف اقتصادی است. از نظر لوفور، در سرمایه‌داری امروز، خود فضا به کالا و امری ابزاری تبدیل شده است و در ایجاد ارزش اضافی و سودآفرینی مؤثر است. از این رو، تناقض اصلی در اینجا، تناقض میان الزام و سرمایه برای استثمار فضا جهت کسب سود و الزامات اجتماعی افراد مصرف‌کننده فضا (مانند تهیدستان) است (لوفور، ۱۳۹۳ به نقل از ایثاری و همکاران، ۱۳۹۸). با این همه، مسئله سودآوری فضا زمینه اعمال سیاست‌های شهری را در امر محدودسازی زیست غیررسمی تهیدستان فراهم آورده است. پیروی از سیاست‌های طراحی شهری به منظور مقابله با اشکال زیست غیررسمی تهیدستان، از آثار غلبه رویکرد کنترل‌گری و سیاست‌های تنبیهی بوده است. بنابراین فضاها و مکان‌ها در احاطه سیاست‌های شهری قرار گرفته است.

رلف معنای مکان را در تصویرهای ذهنی و خاطره‌های مردم دانسته و آن را مؤثرترین عامل در هویت مکان می‌پندارد. تا زمانی که معنای مکان‌ها در ساختار فیزیکی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود، بلکه باید معنا را در تصویرهای ذهنی و

تجربه‌های انسان‌ها جست‌وجو کرد. به باور رلف، هر مکان، شاخصه و خصیصه‌ای انحصاری را داراست و آن خود سبب سه نشانه هویت مکانی است که معرف حس مکان بوده است: ساختار فیزیکی، فعالیت، معنا (کارمونا، ۲۰۰۶). در این‌راستا، شامای^۱ (۱۹۹۱)، درباره حس مکان، وجوهی ضروری را بیان می‌کند: تعلق به مکان در شرایطی به وجود می‌آید که افراد احساس بودن و تقدیر مشترک را دارا باشند. یکی شدن با اهداف مکان، حضور در مکان و فداکاری برای مکان، نقشی ویژه در امر حس مکان ایفا کرده است. به باور رلف، «انسان بودن یعنی زندگی در دنیایی پر از مکان‌های متمایز و مشخص؛ انسان بودن یعنی داشتن مکان «خود» و شناختن آن. او همچنین تأکید دارد که مطالعه پدیده «مکان» و «حس مکان» بدون در نظر گرفتن مفهوم «بی‌مکانی»، غیر قابل فهم خواهد بود. رلف حضور در مکان‌های متمایز را یکی از نیازهای اصلی انسان می‌داند؛ به گونه‌ای که بی‌توجهی به چنین نیازی، آینده‌ای را رقم خواهد زد که هیچ مکانی در آن وجود نخواهد داشت (پاکزاد، ۱۳۸۷).

در نهایت باید به رویکرد طرد اجتماعی اشاره داشت. این مفهوم به صورت مناسب‌تری خصلت چندبعدی سازوکارهایی را آشکار می‌سازد که به موجب آنها، افراد و گروه‌ها از مبادلات اجتماعی، فعالیت‌ها و حقوق سازنده همبستگی و هویت اجتماعی دور می‌مانند و عموماً از طریق تأیید بر مخاطرات حاصل از شکاف‌های موجود در بافت اجتماعی، چیزهایی فراتر از نابرابری اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد و خطر یک جامعه تجزیه‌شده را گوشزد می‌کند (غفاری، ۱۳۹۴: ۲۸۳). بی‌خانمان‌ها معمولاً افرادی محروم از تمامی امکانات جوامع هستند؛ بدین معنا که از دستیابی به آزادی، تأمین رفاه، حداقل‌های یک زندگی استاندارد و موارد مشابه محروم‌اند و محرومیت از غذا، لباس و خدمات درمانی، و به‌طورکلی رفاه، شرایطی را رقم زده که در آن محرومیت و طردشدگی به حد زیادی تحقق پیدا کرده است (والش، ۲۰۰۶). شوک‌های وحشتناک نظیر بحران مسکن و ازهم‌پاشیدگی زندگی خانوادگی، محرومیت افراد را تشدید ساخته و بی‌خانمانی را تداوم بخشیده است (چمبرلین و جانسون، ۲۰۱۱: ۱۱). سن (به نقل از غفاری و حبیب‌پور، ۱۳۹۴: ۲۸۶) عنوان می‌دارد که اهمیت طرد اجتماعی، نه به دلیل تازگی یا جامعیت آن، بلکه در شفافیتی است که در نقش ترکیب ارتباطی محرومیت قابلیت و تجربه فقر

داراست. بی‌خانمانی درحالت‌کلی، محصول تنزل حمایت‌های اجتماعی از فرودستان حاشیه‌ای بوده است. مهاجرت به شهرها در پی کسب درآمد حداقلی و افزایش شدید قیمت مسکن، مصائبی نظیر اجاره‌نشینی و فقر نسلی را به دنبال داشته است. اعتیاد فرودستان اما به‌گونه‌ای مسئله‌ساز عمل کرده است؛ تاجایی که همراهی بحران‌های مسکن در نتیجه سیاست‌های نولیبرالی، بحران بیکاری و درآمد ناکافی با اعتیاد، شرایط بغرنجی را پدید آورده است.

روش تحقیق

بررسی پدیده خانه‌پاتوق و ابعاد آن نیازمند مطالعه‌ای با رویکرد کیفی است. در پژوهش حاضر متناسب با مسئله مورد مطالعه، از رویکرد کیفی، روش نظریه زمینه‌ای و همچنین مشاهده استفاده شده است. «رویکرد کیفی، نگاه‌ها و مکاتب متفاوتی را شامل می‌شود که نظریه زمینه‌محور یکی از آن‌هاست» (فلیک، ۱۳۸۸: ۲۷). نظریه زمینه‌ای یک نظریه مسئله‌محور است و بر ارتباط دادن مراحل و گام‌هایی استوار است که به تعیین ساختار نظری مسئله کمک می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۱: ۷۷). مطابق با هدف پژوهش، استفاده از رویکرد اکتشافی و کشف جوانب پنهان پدیده خانه‌پاتوق، امری لازم است. به‌منظور فهم جوانب پدیده خانه‌پاتوق، از تکنیک مصاحبه عمیق و مشاهده مستقیم بهره گرفته شده و در نهایت ۱۵ خانه‌پاتوق مورد بازدید قرار گرفته است. مصاحبه‌های این پژوهش به نحوی بوده است که محقق در خلال مصاحبه‌ها از طرح سوالات جدید و متناسب با مسیر مصاحبه استفاده کرده است. نمونه‌گیری به شیوه نظری-هدفمند است؛ بدین معنا که در انتخاب نمونه‌ها دو ملاک «نقطه اشباع نظری» و «تنوع» مبنای کار بوده‌اند. در انتخاب نمونه‌ها سعی شد تا حداکثر تنوع برحسب برخی ابعاد و شاخص‌های زمینه‌ای رعایت شود. نمونه‌ها به‌شکل تصادفی در خانه‌پاتوق‌ها گزینش شدند. برای جلب اعتماد و مصاحبه، نوشیدنی، مواد غذایی و سیگار در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار داده می‌شد. محقق با ارائه کارت شناسایی و توضیح هدف پژوهش در ابتدا اعتماد مالکان خانه‌پاتوق‌ها را جلب کرده و در مواردی به مالکان مبالغی پرداخت شده است. همچنین با مشاهده گزینشی، در هر مراجعه یادداشت‌های شخصی نیز نوشته شده‌اند. مشاهدات جنبه غیرمشارکتی داشته و بر اعمال حاکم در خانه‌پاتوق، مراودات مالی و ویژگی‌های حاضران معطوف بوده است. در مجموع با ۳۰ نفر از مشتریان، مالکان و ساکنان خانه-پاتوق‌ها مصاحبه عمیق انجام گرفته است. محقق با جلب اعتماد

پرسابقه‌ها در فضای بیرون از خانه‌پاتوق، موفق به حضور در این اماکن شده و با تداوم تعاملات با ساکنین خانه-پاتوق‌ها، اقدام به شناسایی سایر اماکن مشابه کرده است. محقق همچنین امکان حضور چندباره در خانه-پاتوق‌ها را پیدا کرده؛ با این حال به دلیل مسائل امنیتی و عدم اعتماد برخی از خانه-پاتوق‌ها، امکان حضور در سه خانه-پاتوق فراهم نشده و محقق در فضای بیرونی آن با ساکنین مصاحبه انجام داده است. علاوه بر این، مشاهدات محققین در جریان گذران زمان نسبتاً طولانی در هریک از خانه‌پاتوق‌ها، دربردارنده یافته‌های قابل ملاحظه‌ای بوده است. ردوبدل‌سازی مواد مخدر، مناسبات اقتصادی، هم‌گرایی شبکه‌ای، تعاملات عاطفی زنان و مردان، هریک در خلال حضور چندباره در خانه‌پاتوق‌ها، قابل مشاهده و بررسی بوده است. مراجعه محقق به نمونه‌های جدید به منظور استفاده از تجربه‌های جدید و متفاوت برای غنای بیشتر تحقیق بوده است. نحوه مراجعه به نمونه‌ها به صورت رفت و برگشتی و دایره‌ای است تا اطلاعات کسب‌شده از مشارکت‌کنندگان به اشباع نظری برسد. این نمونه‌گیری به تعبیر «گلیرز و اشتراوس نمونه گام‌به‌گام و در پیوند با میدان است» (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۳۹، کرسول، ۲۰۰۶). همچنین نمونه‌ها با حداکثر نوسان انتخاب می‌شوند. در انتخاب نمونه‌ها حداکثر تفاوت‌های تجربه زیسته‌ها در نظر گرفته می‌شود تا تجربه‌های متفاوت بررسی شوند. «بدین وسیله دامنه نوسان و تفاوت در میدان آشکار می‌شود» (همان: ۲۱۳).

یافته‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای مورد کدگذاری قرار گرفته و سپس تجزیه و تحلیل شده است. در جریان گردآوری داده‌ها، محقق از نظرات شش تن از اساتید علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و فردوسی مشهد استفاده کرده و تعدادی مصاحبه جهت تکمیل بررسی ابعاد جامعه‌شناختی زیست در خانه-پاتوق، گردآوری شده است. کدهای استخراج‌شده در اختیار محققین قرار گرفته و نظرات ایشان در طول تحلیل یافته‌ها و اخذ مصاحبه‌های تکمیلی مورد استفاده قرار گرفته است. برای بررسی روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی معیارهای مختلفی پیشنهاد شده است. تأییدپذیری و تکرارپذیری دو مورد از این معیارها است (گل افشانی، ۲۰۰۳). در این پژوهش برای بررسی تأییدپذیری نتایج به دست آمده، کدها و مقولات استخراج شده به همراه تفسیرهای صورت گرفته پیرامون هر یک از آن‌ها، برای برخی از مشارکت‌کنندگان و انطباق ادراکات ایشان با موارد مذکور در متن پژوهش، واریسی شد.

همچنین برای اطمینان از تکرارپذیری نتایج، در چند مرحله از فرایند تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، کدگذاری‌های مجزایی توسط اعضای تیم تحقیق انجام شد که نشان دهنده اشتراک نسبی در معانی برداشت شده از متن بود. جدول ذیل، سیمای مشارکت‌کنندگان است. در این جدول به مشخصات خانه‌پاتوق‌ها افرادی که با آن‌ها مصاحبه عمیق صورت گرفته اشاره شده است. اسامی به صورت مستعار است.

جدول شماره ۱) سیمای مشارکت‌کنندگان پژوهش

ردیف	نام	سن	درآمد روزانه	مسابقه کارتن‌خوابی	وضعیت تاهل	محدوده	توع اقامت
۱	مجید	۴۳	۲۰ هزار ت	۱۵ سال	مطلقه	مهر مادر	ساعتی
۲	محمدحسین	۴۵	۲۵ هزار ت	۲۰ سال	مطلقه	مهر مادر	تپه
۳	محمود	۲۰	۵۰ هزار ت	۶ سال	مجرد	مهر مادر	ساعتی
۴	نوبت	۱۶	۱۵ هزار ت	۱ سال	مجرد	مهر مادر	ساعتی
۵	اصغر	۴۸	۲۰ هزار ت	۲۵ سال	متاهل	کشاورز	ساعتی
۶	حلیمه	۳۵	۲۰ هزار ت	۲ سال	ازدواج مجدد	کشاورز	تپه
۷	غلامرضا	۵۶	۶۰ هزار ت	۱۴ سال	متاهل	همسرآباد	ساعتی
۸	حسین	۲۹	۲۰ هزار ت	۵ سال	متاهل	همسرآباد	تپه
۹	آبیرضا	۳۰	۷۰ هزار ت	-	مجرد	همسرآباد	مالک‌اندوز
۱۰	سپیده	۲۴	۳۰ هزار ت	۳ سال	مجرد	همسرآباد	تپه
۱۱	ترنم	۳۸	۵۰ هزار ت	۹ سال	مطلقه	همسرآباد	تپه
۱۲	فاطمه	۴۰	۸۰ هزار ت	۳ سال	ازدواج مجدد	همسرآباد	تپه
۱۳	مهشید	-	۳۰ هزار ت	۵ سال	مطلقه	سوس‌آباد	ساعتی
۱۴	فاطمه	۲۶	۴۰ هزار ت	۲ سال	متاهل	سوس‌آباد	تپه
۱۵	سمیه	۱۸	۰ هزار ت	۳ سال	مجرد	سوس‌آباد	تپه
۱۶	نگار	۳۲	۴۰ هزار ت	۴ سال	متاهل	سوس‌آباد	تپه
۱۷	سعد	۲۲	۶۰ هزار ت	-	مجرد	سوس‌آباد	مالک‌اندوز
۱۸	پهپود	۲۵	۵۰ هزار ت	۹ ماه	مطلقه	سوس‌آباد	ساعتی
۱۹	آرتین	۴۰	۲۰ هزار ت	۹ سال	مطلقه	سوس‌آباد	ساعتی
۲۰	محمد	۳۶	۰ هزار ت	۷ سال	مجرد	سوس‌آباد	ساعتی
۲۱	سلیم	۳۸	۱۵ هزار ت	۱ سال	مطلقه	کال زرگش	ساعتی
۲۲	قباد	۴۹	۳۰ هزار ت	۱۳ سال	مطلقه	کال زرگش	خفگی
۲۳	خان	۴۱	۲۰ هزار ت	۱۱ سال	مجرد	کال زرگش	ساعتی
۲۴	محسن	۳۲	۰ هزار ت	۴ سال	متاهل	مشهقی	ساعتی
۲۵	لیدا	۲۷	۱۰ هزار ت	۶ ماه	مجرد	مشهقی	ساعتی
۲۶	هدیون	۳۷	۴۰ هزار ت	-	متاهل	مشهقی	مالک‌اندوز
۲۷	ساجده	۲۳	۱۰ هزار ت	۲ سال	متاهل	مشهقی	تپه
۲۸	فاطمه	۳۴	۲۰ هزار ت	۱ سال	مطلقه	مشهقی	خفگی
۲۹	مصطفی	۴۴	۳۰ هزار ت	۲۰ سال	ازدواج مجدد	تاجرآباد	ساعتی
۳۰	رحیم	۳۰	۳۵ هزار ت	۳ سال	مجرد	تاجرآباد	ساعتی

غالب مشارکت‌کنندگان مصرف‌کننده مواد مخدر بوده‌اند. به‌طورکلی افراد با حضور در خانه‌پاتوق‌ها در پی تأمین مواد مخدر و مصرف آن بوده‌اند. زنان حاضر نیز اغلب بی‌خانمان بوده و با روسپی‌گری یا تکدی‌گری کسب درآمد می‌کرده‌اند. محل درآمدزایی برخی از مشارکت‌کنندگان در داخل خانه‌پاتوق بوده و برخی دیگر با حضور در پاتوق‌ها به کسب درآمد پرداخته‌اند. مردان اغلب به زباله‌گردی پرداخته و تنها جهت تأمین و مصرف مواد مخدر به خانه‌پاتوق مراجعه می‌کنند. برخی از مشارکت‌کنندگان در زمان‌هایی که توانایی مالی مناسبی داشته‌اند، اقامت شبانه یا هفتگی در خانه‌پاتوق‌ها داشته‌اند. اغلب زنان کارتن‌خواب با جلب

رضایت مالک خانه پاتوق، اقامت شبانه دارند و مالکان در ازای برقراری روابط جنسی میان کارتن خوابان کسب درآمد می‌کنند. برخی از مراجعان کارتن خواب نبوده و به تازگی روند مصرف مواد مخدر را دنبال کرده‌اند. در ۴ خانه پاتوق بازی‌های قمار و شرط بندی جریان داشته است. در تمامی خانه پاتوق‌ها فروشندگان مواد مخدر با حضور مقطعی، کسب درآمد می‌کنند. در مواردی کارتن خوابی خانوادگی نیز یافت شد. بدین معنا که زوج‌های بی‌خانمان با پرداخت هزینه‌ای، اقامت شبانه، هفتگی یا ماهانه داشته‌اند. در خانه پاتوق‌های اسماعیل‌آباد، کارگران روزمزد محل زندگی خود را به خانه پاتوق بدل ساخته‌اند تا در زمان بیکاری و فقدان امکان کسب درآمد، از محل رفت و آمد کارتن خوابان درآمد کسب کنند.

یافته‌ها

آنچه از مشاهدات و مصاحبه‌های انجام شده در این پژوهش به دست آمد، نمودی از حیات کارتن خوابی در فضایی پنهان و محصور است که دارای تمایزاتی اساسی با خیابان خوابی به‌عنوان یکی از اشکال بی‌خانمانی در ایران است. زنجیره‌ای از تجارب مفصل خیابان خوابی و بی‌سرپناهی، خانه پاتوق را برای گروه‌های کارتن خواب، به‌مثابه پناهگاهی چه بسا بهتر از گرم‌خانه‌ها تعریف کرده است. با وجود عدم هزینه‌بر بودن اسکان در گرم‌خانه‌های سطح شهر، گویی اسکان پرهزینه در خانه پاتوق‌ها برای کارتن خوابان به مراتب پرآسایش و مقرون به‌صرفه است. حیات کارتن خوابی در فضای پنهان خانه پاتوق‌ها شائبه‌ای مبنی بر عدم توفیق سیاست‌گذاری در حوزه کارتن خوابی را پدید آورده است.

جدول شماره ۲) یافته‌های پژوهش در یک نگاه

	مقولات	مفاهیم
شرایط علی	زیست مسالمت‌آمیز خانه پاتوق؛ تقابل با جرم‌انگاری	جریان‌یابی تعاملات مداوم در بستر سرپناه موقت
		شبکه تامین‌کننده نیازهای عاطفی
		امکان‌یابی ارتقای سرمایه اجتماعی
	غریبگی با گرم‌خانه‌ها	عدم تناسب گرم‌خانه با نیازهای بی‌خانمان‌ها
		برخوردهای ستیزه‌جویانه با کارتن خوابان
		خانه پاتوق‌های کارآمد جایگزین گرم‌خانه‌های

	مقولات	مفاهیم	
	خانه‌پاتوق‌ها؛ مقوم درآمدزایی	ناکارآمد	
		آمیختگی با حیات شبانه کارتن‌خوابی	
		اعطای آزادی عمل به مراجعین هم‌افزایی شبکه‌های شکل‌یافته در بستر مکان واحد	
شرایط زمینه‌ای	خانه‌پاتوق در قامت مهمان‌خانه کارتن‌خوابان	قهوه‌خانه کارتن‌خوابی	
		فراغت‌گاه کارتن‌خوابان	
		تنوع‌بخشی به مصرف مواد	
	بهره‌مندی از اطلاعات ضروری مرتبط با خیابان‌خوابی	آگاهی‌بخشی نسبت به توزیع مواد مخدر	
		آگاهی‌بخشی اقتصادی	
	تمایل کارتن‌خوابان به پنهان‌سازی هویت خویش	رخداد‌های روزمره‌ی شبکه‌های کارتن‌خوابی	
		خانه‌هایی پنهان در زیرلایه حاشیه شهر	
		امکان‌پذیری حفظ چهره مطلوب	
		نیاز به پنهان‌سازی کنش‌های بزه‌کارانه	
شرایط مداخله‌ای	عضویت در شبکه معتادان ساکن خانه‌پاتوق	مراجعات تدریجی و تثبیت‌سازی هویت جدید	
		امنیت جانی با فاصله‌گیری از اجتماعات آشکار بی‌خانمان	
		حفظ آورده‌های خرد اقتصادی با تداوم عضویت شبکه‌ای	
	روابط عاطفی و معاشقه خیابانی؛ مدخل اهمیت خانه‌پاتوق	امکان‌پذیری تبادلات جنسی و عاطفی آزادانه	
		سهولت‌سازی بی‌خانمانی زنان بی‌سرپناه	
		درآمدزایی زنان به‌واسطه برقراری روابط جنسی	
		تداوم‌بخشی به روابط شبه‌زناشویی کارتن‌خوابان	
	تسهیلات حوزه مواد مخدر	زد و بند کالا-مواد مخدر	
		دسترس‌پذیری انواع مواد مخدر	
		دسترس‌پذیری مواد مخدر ارزان‌قیمت و باکیفیت	
		استمراربخشی به تعاملات شبکه‌ای درآمدزا	استمرار محافل شبکه‌ای کارتن‌خوابان
			تبادل اطلاعات میان شبکه‌های حاضر

	مقولات	مفاهیم
استراتژی‌ها		امنیت‌بخشی به روند درآمدزایی کارتن‌خوابان
	کنش‌های مخاطره‌آمیز در جهت تضمین اعتبار شخصی	حضور در معاملات موادمخدر
		گردآوری اجناس سرقتی در خانه‌پاتوق
	درآمدزایی در راستای تامین هزینه حضور در خانه‌پاتوق	کنش‌های درآمدزای شبانه جهت پرداخت حق اسکان
		انجام امور شخصی صاحبان خانه‌پاتوق
		عضویت همزمان در شبکه‌های شغلی مختلف
	واسطه‌گری در امر درآمدزایی ذی‌نفعان خانه‌پاتوق	تبلیغ خانه‌پاتوق برای کارتن‌خوابان در پاتوق‌های موادمخدر
		فراهم‌سازی حضور زنان متمایل به کارگری جنسی
		امکان‌بخشی به خرید موادمخدر توسط غیرکارتن‌خوابان
	قاعده‌مندسازی و امنیت‌زایی شیوه رفت‌وآمد	محدودیت رفت‌وآمد برای غریبه‌ها
بسترسازی امنیت با محدودیت زمانی تردد		
پیامدها	محرومیت از خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد	دسترس‌ناپذیری کارتن‌خوابان
		زیست‌انزواگونه کارتن‌خوابان
	آسیب‌پذیری فزاینده زنان بی‌خانمان	خطرپذیری زنان کارگر جنسی
		استثمار جنسی زنان بی‌خانمان
		پنهان‌بودگی خشونت علیه زنان بی‌خانمان
	تشدیدپذیری اعتیاد	مخاطره تزریق مواد
		تعدد اعتیاد به انواع موادمخدر
روند افزایشی مصرف موادمخدر		

خانه‌پاتوق به مثابه پناهگاه و ضمانت‌بخش امنیت نسبی کارتن‌خوابان (پدیده مرکزی)

جریان‌یابی حیات کارتن‌خوابی در فضاهاى پنهان در مواجهه با تجارب قهرآمیز، یکی از اشکال بی‌خانمانی ایمن و بی‌مزاومت را پدید آورده که در میان اهالی کارتن‌خواب به خانه‌پاتوق معروف است. در این نوع از زیست‌خیابانی، دوگونه عمده بهره‌بری مورد توجه قرار می‌گیرد. در شکل نخست آن، افراد نیازهایی که در پاتوق بدان دست پیدا نکرده را در این محل

جست‌وجو می‌کنند. دوم آن‌که گروه‌هایی از کارتن‌خوابان که از درآمد قابل توجهی برخوردار بوده و یا به‌واسطه جنسیت یا سن در معرض زیست مخاطره‌آمیز بی‌خانمانی قرار دارند، رهسپار شیوه ایده‌آل زیست خیابانی، یعنی "خانه‌پاتوق" می‌شوند. خانه‌پاتوق محلی قابل اعتنا برای کارتن‌خوابان بوده و تسهیل خرید مواد مخدر و مصرف آن، برای ساکنان درآمدزایی به وجود آورده است. به‌رغم امکان‌پذیری سرپناه‌یابی بدون پرداخت هزینه در مراکز گرم‌خانه، بسیاری از کارتن‌خوابان ترجیح به حضور در مکان‌هایی غیر از آن دارند. شاهد این امر، حضور گسترده شبانه کارتن‌خوابان در فضاهای مختلف شهری و به‌ویژه پاتوق‌های کارتن‌خوابی است. با این‌همه گروه‌های مختلفی از کارتن‌خوابان در مقاطع مختلف زمانی به حضور در خانه‌پاتوق‌هایی روی آورده‌اند که تأمین‌کننده مهم‌ترین خواسته‌های آنان است. فی‌الواقع برخورداری از زیست ایمن و به‌دور از مخاطره دستگیری توسط نیروهای انضباطی و تأمین درآمد و مواد مخدر در بستر چنین مکان‌هایی، زمینه را برای رونق این شیوه از زیست بی‌خانمانی هموار ساخته است.

بر مبنای یافته‌ها، مهم‌ترین خصیصه یک خانه‌پاتوق برای کارتن‌خوابان، جذابیت آن در تأمین نیازها بوده است. جریان انضباطی به‌سبب رویکرد فهری، شرایطی را رقم زده که در آن کارتن‌خوابان با حضور مقطعی در خانه‌پاتوق‌ها به دنبال امنیت‌بخشی به زندگی خود بوده‌اند و در پی هراس از دستگیری و انتقال به کمپ‌های اجباری، بخشی از درآمد خود را صرف حضور در خانه‌پاتوق‌ها می‌کنند. بی‌میلی به گرم‌خانه‌ها و شرایط دشوار زیست خیابانی در فصول سرد، سبب شده تا خانه‌پاتوق‌ها ایمن‌گاهی مناسب به نظر برسند. علاوه بر این دسترسی آسان به مواد مخدر و پیشگیری از مخاطرات تأمین مواد مخدر در فضاهای آشکار پاتوق‌ها، در عمل خانه‌پاتوق‌ها را برای کارتن‌خوابان پراهمیت جلوه داده است. مصرف مواد مخدر در فضایی ایمن و غیررسمی که نیروهای پلیس به آن اشراف کافی ندارند، ضامن امنیت نسبی کارتن‌خوابان بوده است.

شرایط علی

مبتنی بر فرایند کدگذاری محوری، سه شرط علی حاکم بر پدیده مرکزی شناسایی شد که در ادامه ارائه شده است:

زیست مسالمت‌آمیز خانه‌پاتوق؛ تقابل با جرم‌انگاری: جرم‌انگاری معتادان و کارتن‌خوابان سبب شده تا افراد کارتن‌خواب با مراجعه به خانه-پاتوق‌ها، در فضایی ایمن امکان مصرف مواد مخدر را داشته باشند. از آنجایی که پرسابقه‌های کارتن‌خوابی، اندازگر سائرین بوده‌اند، افراد از چگونگی و زمان دستگیری کارتن‌خوابان تا حدی مطلع می‌شوند و در صورت احساس خطر به صورت مقطعی در خانه-پاتوق‌ها حضور پیدا می‌کنند. از سوی دیگر مصرف مواد مخدر در فضای مسقف امری است که برخی از کارتن‌خوابان آن را به جهت ایمنی ترجیح داده‌اند.

آرشمی گوید:

«الان بگیرنمون می‌برنمون کمپ سبزوار. اون‌جا باید بدون متادون ۶ ماه کار کنی. من از وقتی فهمیدم با بچه‌ها اومدیم خونه-پاتوق. این‌جا گرون درمیاد داریم شبی ۱۰ تومن می‌دیم به آقا رحمت ولی می‌ارزه چون معلوم نیست سبزوار زنده بمونی. حالا یکم کمتر می‌کشیم. الان دو ماهه اومدیم خونه‌پاتوق ولی بعضی شب‌ها که پول نداریم ضایعات خوب گیر نمیاد، همین اطراف می‌خوابیم. خونه قبلی‌ای که بودیم پلمپ شد. دلیل اصلی که توی حرفای همه این بچه‌ها بگردی همین رو می‌گن همینه که این‌جا امن و راحت هست برای ماها. خونه‌پاتوق بعضیا می‌گن پول زوره. اتفاقا ببرند کمپ شما رو زور داره. چقدر باید بدبختی بکشی. به‌نظرم دلیل اصلی همین هست. من خودم از ترس کمپ و بدبختی‌هاش میام خونه‌پاتوق که راحت باشم خلاصه»

آنچه که در حیات کارتن‌خوابی شهر در سال‌های اخیر مقدور نبوده‌است، یعنی جریان‌یابی تعاملات مداوم، در بستر یک پاتوق کارتن‌خوابی با حضور در فضایی محصور و پنهان میسر می‌شود. چنین استمراری در تعاملات هم‌قطاران خیابان‌نشین و به‌دور از سرپناه که در فرودستی مشترک‌اند، تقویت حمایت متقابل را ممکن می‌کند.

نگار؛ مشتری شبانه خانه‌پاتوق سیس‌آباد می‌گوید:

«من کسی رو ندارم توی این دنیا. این خونه‌پاتوق هم که شب‌ها میام بخوابم مثل خانواده من شدن. مثل برادرهام‌اند. هیچ‌کس اون بیرون محض رضای خدا موش نمی‌گیره. این‌جا همه منو دوست دارند.»

غریبگی با گرم‌خانه: یکی از اصلی‌ترین جنبه‌های رونق‌یابی خانه‌پاتوق‌ها، ناکارآمدی و به‌نوعی احساس غریبگی با گرم‌خانه‌های تعبیه‌شده در سطح شهر است. از آن‌جا که مهم‌ترین

گزینه پیش‌روی کارتن‌خوابان مراجعه به گرم‌خانه‌ها و گذران بخشی از زمان شبانه‌روز در این مکان است، مشارکت‌کنندگان درباره دلایل مراجعه به خانه‌پاتوق‌ها، همواره به ناکارآمدی گرم‌خانه‌ها اشاره داشته‌اند. در واقع غالب مراجعه‌کنندگان به خانه‌پاتوق‌ها کسانی‌اند که نسبت به گرم‌خانه‌نشینی غریبه‌اند. بنابراین یکی از دلایل رونق‌یابی خانه‌پاتوق‌ها، احساس غریبگی با گرم‌خانه‌ها بوده است. به‌رغم تعبیه گرم‌خانه‌های مختلف در سطح شهر مشهد، بسیاری از کارتن‌خوابان تمایلی به حضور در این اماکن نداشته و در مقابل، حضور در خانه‌پاتوق‌ها را به دلایل مختلف ترجیح می‌دهند.

به‌نظر می‌رسد گرم‌خانه‌های موجود چندان با نیازهای کارتن‌خوابان تطابق ندارد. مرور تجارب مشارکت‌کنندگان درباره انگیزه‌های مراجعه به خانه‌پاتوق، نشان‌دهنده تأمین نیازها در بستر این مراکز است. درمقابل کارتن‌خوابان حضور در گرم‌خانه‌ها را به دلیل عدم برآورده‌سازی نیازها از گزینه‌های پیش‌روی خود حذف می‌کنند. زمانی‌که کارتن‌خوابان متمایل به درآمدزایی در حیات شبانه زیست خیابانی بوده و از سویی حضور در گرم‌خانه‌ها این امکان را از آنان سلب می‌کند، نیاز به جایگزینی مناسب بیش از هر زمان احساس می‌شود. بسیاری از کارتن‌خوابان متناسب با شرایط پیچیده زباله‌گردی، کنش‌های درآمدزای خویش را به زمان‌های واپسین شب موکول می‌کنند. حضور مقطعی در خانه‌پاتوق و درحین درآمدزایی شبانه، پاسخ‌گوی نیاز آنان است.

قباد؛ مشتری خانه‌پاتوق کال زرکش می‌گوید:

«شب که کلی باید جون بکنم آشغال جمع کنم وسطش چندساعتی می‌رم خونه‌پاتوق اسماعیل. اون‌جا یک چای می‌خورم یکم استراحت می‌کنم مواد هم هست می‌کشم بعد دوباره می‌رم دنبال کارام. گرم‌خونه چندسال پیش یک ماه می‌رفتم. اولاً اون‌جا مثل خونه‌پاتوق نیست که بشه هر موقع دلت خواست بیای بیرون هر موقع دلت خواست بری داخل. قانون داره. منم خودم با قانون نمی‌تونم خودم رو بکشم. زندگی من قانون نداره. هر موقع خمار بشم باید برم دنبال جمع‌کنی. تا جمع نکنم مصرف نمی‌گیرم. حالا ساعت ۳ صبح توی گرم‌خونه نشستم. از کجا مواد بیارم؟ اصلاً نمی‌شه مصرف کنی. مخلص حرف ما اینه که خونه‌پاتوق رو برای کسانی مثل من گذاشتند که دووم نمیارن. اون‌ی که دووم

میاره دمش گرم ولی جواب من رو نمی‌ده گرم‌خونه. گرم‌خونه برای این پیرپاتال‌ها خوبه که صبح به صبح برن پارک. شب هم برن اون‌جا بخوابند»

با این همه، دشواری‌های رفت و آمد به گرم‌خانه‌ها نیز مانعی جدی در تحقق جذب کارتن‌خوابان بوده است. درحالی‌که خانه‌پاتوق‌ها در بطن زیست روزمره کارتن‌خوابان یاری‌رسان ایشان بوده، گرم‌خانه‌ها چندان پاسخ‌گوی نیازهای آنان نیست. علاوه بر این، تجربه‌هایی مملو از ناکامی در امر مراجعه به گرم‌خانه‌ها، نوعی مقاومت در مراجعه به این مراکز را در میان کارتن‌خوابان به‌وجود آورده است.

خانه‌پاتوق‌ها؛ مقوم درآمدزایی: آن‌چه که در قالب زیست‌خیابانی اهمیتی ویژه پیدا می‌کند، معیشت حداقلی، اما به‌غایت ضروری خواهد بود. درواقع محرومیت از نظام‌های درآمدی و شغلی به‌واسطه طردشدگی و اعتیاد، نیاز به بستری اساسی در راستای تأمین نیازهای ضروری را نتیجه داده است. براین‌مبنا، کارتن‌خوابان با حضور در بطن بازار موادمخدر، دست‌فروشی و زباله‌گردی، همواره در پی تثبیت درآمد روزانه خویش‌اند. با این همه، فضاهایی محصور نظیر خانه‌پاتوق، عنصر درآمدزایی را تقویت ساخته است؛ بدین‌معنا که کارتن‌خوابان از طریق رویارویی با شبکه‌های مختلف حاضر در خانه‌پاتوق‌ها، امکان درآمدزایی بیشتری پیدا می‌کنند.

رحیم؛ مشتری خانه‌پاتوق تاجرآباد می‌گوید:

«من درآمدم به‌جورایی چندسالی هست که اصلاً به خونه‌پاتوق بنده. قبلاً این‌طوری نبود. الان من توی خونه‌پاتوق کارای تعمیر انجام می‌دم. مثلاً یکی فن‌دکش خراب شده یکی دیگه ساعتش. من همه‌جور کار از دستم برمیاد. ولی کلاً خیلی‌ها مثل من پول درمیارند. مثلاً یکی از بچه‌ها پایپ درست می‌کنه می‌فروشه. یکی دیگه مشتری جور می‌کنه برای این زن‌هایی که حاضرند کار کنند. خود رفیقم احمد هم مشتری برای مواد جور می‌کنه»

شرایط زمینه‌ای

بر اساس فرایند کدگذاری محوری، سه شرط زمینه‌ای حاکم بر پدیده مرکزی شناسایی شد که به شرح ذیل است:

خانه‌پاتوق در قامت مهمان‌خانه کارتن‌خوابان: حضور در خانه‌پاتوق برای کارتن‌خوابان به‌دلیل جاذبه‌های مختلف آن، وجهی ایده‌آل داراست. گذران عمر در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر،

میان بولوارها، باغ‌های حصارکشی شده، فضاهای محصور از کارافتاده و مشابه آن، همراه با تلاش برای پنهان شدن نتیجه‌ای را به دنبال دارد که زیست بی‌خانمان در فضایی مسقف با وجود تمامی کمبودها، به بهشت کارتن‌خوابی بدل شود. گویی رضایت به شرایط حداقلی ناشی از آنچه که به کارتن‌خواب گذشته، لزوم تلاش پیاپی برای درآمدزایی و اقناع مالک خانه‌پاتوق، مأموریت اصلی حیات کارتن‌خوابی است. مهمان‌خانه برای کارتن‌خوابان مرد به دور از نگاه‌های سنگین جامعه و فارغ از هرآنچه که در بیرون بر ایشان گذشته، حکم زندگی ایده‌آل، هرچند مقطعی را داراست.

قباد؛ مشتری هفتگی خانه‌پاتوق کال زرکش می‌گوید:

«فرق این‌جا با بیرون می‌دونی چیه؟ این‌جا کسی مسخره‌ات نمی‌کنه. کسی کتکت نمی‌زنه. بهت محبت می‌کنه با نون خالی. با جیب خالی. مرام و معرفت می‌فهمی هنوز نمرده. پول می‌دی تا احساس کنی هنوز با حیوون‌ها فرق داری. درسته مثل مهمونی ولی حبیب خدایی. خونه‌پاتوق از چندجا نگاه کنی بهش خوبه. اولاً که خونه‌پاتوق برای امثال من که کارتن‌خوابیم مثل یک استراحت‌گاهه. یعنی من نمی‌تونم برم خونه ننه‌بابام اون‌جا خستگی در کنم. خونه‌پاتوق که میام از هفت دولت آزادم. کسی کاری به کار من نداره. انگار اومدم خونه خودم. پول خرج می‌کنم که راحت باشم. برای همین باید بیشتر پول دربیارم. خرج مواد من روزی ۲۰ هزار تومنه. خرج خونه‌پاتوق من روزی ۱۰ هزار تومنه. روزی ۵ هزار تومن باید بدم برای نون و پنیری چیزی بخورم. کیکی نوشابه‌ای هرروز یک‌چیزی می‌خورم. ولی ارزش داره چون خونه‌پاتوق کسی از من پول چای نمی‌گیره. مثلاً آقا رحیم نمی‌گه اوهوی قباد چرا ۳ تا چای خوردی امروز؟ با خیال راحت قندو می‌زنم توی چای می‌رم بالا. چای لذت زندگی به‌مولای اون بیرون چای پیدا نمی‌شه لاکردار. اصلاً هرچی بخوای هست غیر راحتی و چای و محبت. بیرون برای من زندونه.»

گویی خانه‌پاتوق به‌مثابه قهوه‌خانه‌ای آشنا و ویژه است که مختص هم‌مصرف‌های مطرود است. جریان‌یابی گپ‌وگفت‌های گروهی، رخدادی برانگیزاننده برای به‌ستوه‌آمدگان از جامعه شهری است که ایشان را مورد نقد و برخوردهای انضباطی قرار داده است. گپ‌وگفت‌هایی که اگرچه ساده به نظر می‌آید، اما در فضای بیرونی تحت‌تأثیر هراس جمعی از دست‌گیری‌های نابه‌هنگام است. امکان‌یابی حیات در خانه‌ای دورافتاده که امروزه در مناطق سکونت‌گاه غیررسمی یاد می‌شود، شرایط تشخیص‌بخشی به فرودستان روزمردی را فراهم ساخته که در پی

بقا با کنش‌های طاقت‌فرسای خویش، در قالب قهوه‌خانه کارتن‌خوابی استراحت کرده و به گفت‌وگوهای طویل می‌پردازند.

حسین، مالک خانه‌پاتوق مشهدقلی می‌گوید:

«شما سوادشو دارید از من بهتر می‌دونید که این بچه‌ها مثل من اعتیاد دارند و کسی تحویلشون نمی‌گیره. این‌جا نه مبل داره نه فرش فقط به سقف داره ولی چه اهمیتی داره؟ مهم اینه که این‌جا ما احساس می‌کنیم داریم زندگی می‌کنیم و مثل بیرون نیست که هزار بدبختی رو تحمل کنی. کی فکرش رو می‌کنه یک کارتن‌خواب قهوه بخوره؟ من میام این‌جا با خودم از این بسته‌های قهوه میارم عوضش دیگه پول کم می‌دم به آقایی»

بهره‌مندی از اطلاعات ضروری مرتبط با خیابان‌خوابی: زندگی در فضای شهری زمانی که

با محرومیت از مسکن همراه است، نیازمند دریافت اطلاعاتی در حوزه زیست‌خیابانی است. از آنجایی که کنش‌های کارتن‌خوابان تا حدی ناظر بر پیشگیری از بدترین رخداد کارتن‌خوابی یعنی دستگیری و انتقال به کمپ اجباری است، برخورداری از اطلاعات، ضرورت بقا بوده و تداوم‌بخش زیست‌خیابانی است. اساساً شبکه‌سازی‌های صورت‌گرفته در اجتماع کارتن‌خوابان که در لایه‌های نهفته حیات‌خیابانی است، در مواجهه با برخورد قهری و سیاست‌گذاری جرم‌انگاران‌هی کارتن‌خوابی است. در جریان تقویت پیوندهای میان‌فردی، خانه‌پاتوق‌ها با انتقال اطلاعات مختلف در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و مواد مخدر، جایگاهی بی‌بدیل در نزد کارتن‌خوابان را دارا هستند.

حسین؛ مشتری شبانه‌خانه‌پاتوق همت‌آباد می‌گوید:

«خدا روشکر که همچین جایی هست. یه کارتن‌خواب که جون نداره صبح تا شب راه بره ضایعات رو ازش مفت‌خری کنند. اگر اینطور جاها نیای کلاهدت پس معرکس. نه می‌تونی پول دربیاری نه جنس گیر بیاری. هرچی لازمه بدونم توی خانه‌پاتوق دستگیرم می‌شه. مثلاً کجا جنس گیر بیارم. کجا برم ضایعات بفروشم بهتر بخره. کجا پول دربیارم. کجا دست‌فروشی کنم. کجا زیاد آفتابی نشم که نگیرند ببرند مارو. خلاصه خیلی اطلاعات هست که هرجایی نمی‌دن»

ردوبدل اطلاعات در حوزه دست‌یابی به انواع مواد مخدر، آگاهی‌بخشی درباره شیوه‌های درآمدزایی متناسب با هرزمان و فصل خاص و در نهایت انتقال اطلاعات درباره اعضا

شبکه‌های مختلف کارتن‌خوابی و توزیع‌کنندگان بسته‌های حمایتی نیز در بستر هم‌افزایی خانه‌پاتوق‌ها تحقق می‌یابد.

تمایل به پنهان‌سازی هویت خویش در بستر فضایی پنهان: تلاش برای پنهان‌سازی هویت خویش به‌منظور حراست از اعتبار پیشین، مراجعه به خانه‌پاتوق را درمقام نیازی اساسی پدید آورده است. فاصله‌گیری از اجتماعات آشکار با توجه به ضرورت پنهان‌سازی هویت، مشارکت‌کنندگان را به سمت وسوی حضور در خانه‌پاتوق‌ها سوق داده است. در این راستا، یکی از زمینه‌های شناسایی شده در ارتباط با مراجعات کارتن‌خوابان به خانه‌پاتوق‌ها، برخورداری از مزیت پنهان‌بودگی خانه‌پاتوق‌ها بوده است. تلاش برای گمنام‌سازی خویش، حضور در خانه‌پاتوق‌ها را موجب شده است. از سویی پرداختن به اعمال بزهکارانه، مخاطره‌دستگیری را بیش از پیش افزایش داده و پنهان‌بودگی خانه‌پاتوق‌ها به دسته‌ای از کارتن‌خوابان یاری رسانده است.

نوید؛ مشتری خانه‌پاتوق مهرمادر می‌گوید:

«من همه ترسم از اینکه که بقیه بفهمند چه گندی زدم. هیچ‌کس باورش نمی‌شه من کارتن‌خواب شدم. نمی‌خوام بقیه بدونند. مادرم بدونه می‌میره از غصه. دوست دارم فکر کنه من رفتم تهران کار کنم. بیشتر وقتمو توی خونه‌پاتوقم مگه این‌که برم بیرون یه پولی دربیارم بدم به اینا دهنشون بسته شه سربیه سرم نذارند»

شرایط مداخله‌ای

بر اساس فرایند کدگذاری محوری، سه شرط مداخله‌ای حاکم بر پدیده مرکزی شناسایی شده است. شرح آن در ادامه بدین گونه است:

عضویت در شبکه معتادان ساکن خانه‌پاتوق: حضور در شبکه‌های معتادان و تلاش برای تداوم تعاملات به‌منظور تسهیل زیست خیابانی، به حضور جسته و گریخته تعدادی از کارتن‌خوابان در خانه‌پاتوق‌ها انجامیده است. مشارکت‌کنندگان به‌واسطه تعاملات روزمره خویش با شبکه و افراد حاضر در مراکز خانه‌پاتوق، به تدریج از هویتی جدید تحت‌عنوان "عضو یا ساکن خانه‌پاتوق" برخوردار شده‌اند. عضویت در شبکه معتادان و تمایل به همراهی شبکه به حضور مداوم در خانه‌پاتوق‌ها دامن زده است.

امیررضا؛ مالک خانه‌پاتوق همت‌آباد می‌گوید:

«یک بچه‌هایی هم هستند که توی دار و دسته گنده‌لات‌ها رفت‌وآمد دارند. برای اونا موادفروشی می‌کنند. چون اونا میان این‌جا، اونا هم گاهی میان سمت ما. بیرون زندگی کردن واقعا جرأت می‌خواد خوب. به این راحتی‌ها نیست. همین خونه پاتوق ما باعث شده جمع‌هایی که قبلاً از هم پاشیدن رو دوباره دور هم جمع کنه. گروه‌های مختلف میان این‌جا مواد می‌کشند باز می‌رن دنبال دزدی و ضایعات جمع کردن و این‌ها. گاهی میان این‌جا جنس‌هارو که دزدیدن خرید و فروش می‌کنند. بهشون گفتم نکنید این‌کارو من این‌جا پول حرورم نمی‌خوام بیاد. گوش نمی‌دن به من. منم تایک‌جایی می‌تونم جلوی اینارو بگیرم. اگر بیرونشون کنم از دست من ناراحت می‌شن. اینا کسی رو ندارند توی این دنیا. کارتن‌خوابن. منم خودم کارتن‌خواب بودم تا این خونه رو خالم برام خرید. ۸ میلیون خرید سه سال پیش داد به من. خداروشکر دیگه آواره نیستم»

الزام به تداوم تعاملات شبکه‌ای به‌منظور هموارسازی درآمدزایی، شرایطی را نتیجه داده که در آن خانه‌پاتوق بعد حیاتی زیست‌خیابانی محسوب می‌شود. با این‌همه آنچه که پراهمیت جلوه می‌کند، تأمین خواسته‌های افراد توسط شبکه‌هایی است که در خانه‌پاتوق‌ها حضور دارند. تداوم‌بخشی به عضویت در شبکه‌های پراهمیت، در نوع‌گزینش اسکان کارتن‌خوابان نقشی جدی بازی کرده است.

روابط عاطفی و معاشقه خیابانی؛ مدخل اهمیت خانه‌پاتوق: هم‌نشینی مردان و زنان بی‌خانمان در بستر خیابان‌خوابی به شکل‌گیری روابط عاطفی دامن زده است. مناسبات عاطفی نیاز به فضایی ایمن را نتیجه داده که در آن روابط طرفین قابلیت استمرار را پیدا کند. ماهیت زیست‌خیابانی مبنی بر تعاملات نامنظم که جنبه اتفاقی را داراست، مانع از تداوم تعاملات عاطفی برای بسیاری از کارتن‌خوابان است. در این راستا خانه‌پاتوق درمقام مکانی ثابت، فراهم‌کننده تداوم تعاملات عاطفی است. به‌رغم محدودیت‌های جدی در خیابان و هراس از دستگیری، خانه‌پاتوق به تعاملات عاطفی زنان و مردان، رنگ و لعابی امنیت‌بخش اعطا کرده است. اهمیت خانه‌پاتوق برای آن‌دسته از کارتن‌خوابانی که درگیر روابط عاطفی خویش‌اند، بیش از سایرین است. مراجعه منظم در ساعات و روزهای ثابت هفته، نوعی فضای شبه‌کافه‌ای را برای فرودستان نتیجه داده که در آن تأمین نیازهای عاطفی نیز تحقق می‌یابد. علاوه بر تداوم‌بخشی به روابط شبه‌زناشویی کارتن‌خوابان، خانه‌پاتوق با ارائه امکان روابط عاطفی و

جنسی آزادانه، برای گروه‌های مختلفی از کارتن‌خوابان تاحدی برانگیزاننده ظاهر شده است. اساساً در بستر خانه‌پاتوق، زنان نیز ضمن تسهیل شرایط بی‌خانمانی و برخورداری از وجوه امنیت‌بخش، امکان درآمدزایی را نیز پیدا کرده‌اند. محمد؛ مشتری خانه‌پاتوق سیس‌آباد می‌گوید:

«همه‌چی برای من از وقتی با سمیه آشنا شدم فرق کرد. قبلش برام مهم نبود کجا می‌رم چی مصرف می‌کنم کجا می‌خوابم. از وقتی با سمیه آشنا شدم مهرش به دلم افتاد. خب نمی‌شه یک زن رو توی این دوره‌زمونه ولش کنی به امون خدا و خودت ول بچرخ. خطرناکه. گرگ زیاده اون بیرون. من کاری که کردم این بود که یکم پرس‌وجو کردم تا یک خونه‌پاتوق خوب ردیف کنم. قبلش خبر داشتیم همچین جاهایی هست. خدا خیلی لطف داره به ما معتادها. حالا کارتن‌خوابم باشی خدا هوات رو بیشتر داره. این رو من می‌فهمم که بعد این همه سال بدبختی هنوز دارم نفس می‌کشم. خلاصه رفتم خونه‌پاتوق آقا همایون. من به پولی دادم گفتم خودم روزی یک ساعت میام ولی این زن امانت به شما. اولش قبول نکرد. دیگه اشک‌هام رو دید راضی شد. گفت باشه ولی فقط یک‌ماه. الان ۶ ماه هست که سمیه اون‌جا موندن منم شبی ۱۰ تومن می‌دم به همایون. خودم می‌رم هرروز مصرف می‌کنیم دوباره می‌زنم بیرون که ضایعات جمع کنم. اگر سمیه نبود انقدر هزینه نمی‌کردم ولی خداوکیلی خونه‌پاتوق خیلی بهتر از پاتوق و گرم‌خونه و زندون و کمپ و این جورهاست»

جدیت در روابط عاطفی و گذران ساعات متمادی با شریک خویش در فضای زیست خیابانی، به حضورهای مداوم و منظم در خانه‌پاتوق‌ها دامن زده است. گروهی از مشارکت‌کنندگان به‌واسطه شکل‌یابی روابط عاطفی و جنسی، الگوی اسکان‌یابی خویش را با تغییر داده‌اند.

تسهیلات حوزه مواد مخدر: آمیختگی زیست خیابانی و مواد مخدر تا حدودی به شیوه مصرف، فضای مصرف و شبکه مصرف وجهی اهمیت‌بخش داده است؛ تا جایی که کارتن‌خوابان در مواردی کنش‌های اقتصادی خود اعم از گردآوری ضایعات را به سمت‌وسوی فضای مصرف تغییرشکل می‌دهند. در شبکه‌های کارتن‌خوابی که گروه‌های بیش‌وکم پرشمار اقدام به مصرف مواد می‌کنند، اسکان‌یابی در محلی مناسب امری ضروری است. از این‌رو خانه‌پاتوق ضمن فراهم‌سازی تنوع‌بخشی به مصرف مواد، امکان خریداری مواد مخدر را نیز

فراهم می‌کند. در فضای خانه‌پاتوق، بی‌خانمان‌های فرودست به دور از هرگونه هراس از دست‌گیری نهادهای امنیتی که هراز گاهی به پاتوق‌ها سرکشی کرده و آن‌ها را راهی کمپ‌های اجباری می‌کنند، از تسهیلات خانه‌پاتوق برخوردار می‌شوند. استفاده از پایپ‌های دسته اول که در خانه‌پاتوق در حال تولید است همراه با سایر امکانات مصرف مواد، امکان مصرف مواد به شیوه دلخواه را میسر می‌سازد. بهره‌مندی از مواد مخدر عاریه‌ای و انواع آن یکی از مطالبات مهم افراد کارتن‌خواب است. چنین امری درحالی محقق می‌شود که در پاتوق‌های کارتن‌خوابی دستگیری‌های پرشمار توزیع‌کنندگان مانع از دسترسی آسان می‌شود.

اسما؛ مشتری ساعتی خانه‌پاتوق مشهدقلی می‌گوید:

«همه بچه‌های این‌جا برای من مثل خواهر برادرن. مثل بیرون نیست که بیان به زور تو روز روشن ازت موادت رو بگیرن یا به زور ببرنت کمپ و از درد به حال خودت بمیری. فرق این‌جا با بیرون اینه که اعتماد داری به بقیه و راحت باهاشون مصرف می‌کنی هرطور که دلت خواست. اصلاً همین‌که چه موادی بزنی خیلی مهمه. ببین شیشه الان هست گرمی ۴۵ هزار تومن ولی آشغال. نصفش ناخالصیه. خب من گرمی ۵۰ می‌خرم از جای دیگه ولی بهتر. توی خونه‌پاتوق جنس آشغال دستت نمی‌دن. خدانشاهده هفته پیش رفتم جنس خریدم گفت ارزون می‌دم. گرمی ۴۰ داد به من. اصلاً شیشه نبود این. هرچی زدم پرید. جنس خیلی مهمه. بعدم گاهی دستت تنگه. وقتی پول نداری نمی‌شه گرمی بخری. باید پنچی یا دهی بخری. خونه‌پاتوق اگر اعتبار داشته باشی بهت یک گرم هم می‌دن.»

استراتژی‌ها

تلاش کارتن‌خوابان به منظور مقابله با محدودیت‌های بالنسبه جدی، نیازمند به‌کارگیری استراتژی‌های مختلفی است. در این قسمت به ۵ استراتژی پرداخته‌ایم:

استمراربخشی به تعاملات شبکه‌ای درآمدزا: حضور در خانه‌پاتوق استمرار پیدا نمی‌کند، مگر با استمراربخشی به تعاملات شبکه‌ای که چنین امری درآمد لازم برای کارتن‌خوابان را نیز به‌همراه دارد. عضویت در شبکه‌های حاضر در خانه‌پاتوق‌ها، مشارکت در امور درآمدزایی گروهی، تشکیل گروه‌های جدید و تبادل ظرفیت‌ها میان شبکه‌های مختلف در خانه‌پاتوق‌ها، به رونق هرچه بیشتر این مراکز دامن زده است. براین‌مبنا، تأمین نیازها و خواسته‌های کارتن‌خوابان

در بستر تعاملات شبکه‌ای، مدخلی در راستای استمرار تعاملات شبکه‌ای در کالبد خانه پاتوق‌هاست.

مهدیمی گوید:

«من خودم رو می‌گم. هرچی بیشتر بگذره از زمانی که میام خونه پاتوق برای من بهتره. چرا؟ چون آدم‌های بیشتری شناختم. همین آدم‌هایی که من رو حساب کنند و رو من انگشت تأیید بزنند باعث می‌شه همیشه جا داشته باشم همه‌جا. خونه پاتوقی نیست که من رو راه ندن. همه باهم می‌ریزند روهم. به هم کمک می‌کنند. گروه‌هایی که هستند رو باید دریابم»

کنش‌های مخاطره‌آمیز در جهت تضمین اعتبار شخصی: از آن‌جایی که دست‌یابی به مطلوب کارتن‌خوابی یعنی خانه پاتوق نیازمند تأیید دیگرانی من جمله شبکه‌های حاضر در آن است، کارتن‌خوابان نوپا به منظور تأمین اعتبار، دست به مخاطراتی جدی زده تا در زیست پنهان بی‌خانمانی خویش توفیق پیدا کنند. به‌جان خریدن مخاطرات معامله مواد مخدر، سرقت، بزهکاری و نظایر آن، تماماً در راستای جلب اعتمادی ضروری برای حضور در خانه پاتوق‌ها بوده است.

سلیم می‌گوید:

«تاجایی که یادمه اون روز که رفتم خرخره یک آدم بی‌شرف رو گرفتم پولاشو زدم کسی من رو آدم حساب نمی‌کرد. امان از اون روزی که رفتم با کلی پول برگشتم. همه بهم می‌گفتند احمدخان. برای این‌که خودم رو ثابت کنم تا خونه پاتوق فرزانه خانم راه بدن منو همچین غلطی کردم. وگرنه تا روز قیامت من رو همچین جاهایی راه نمی‌دادند. کارتن‌خواب‌های کاردرست و باعرضه اون‌جا فقط می‌رن»

درآمدزایی در راستای تأمین هزینه حضور در خانه پاتوق: تأمین منابع مالی به جهت امکان‌پذیری اسکان در خانه پاتوق‌ها، نیازمند پرداختن به کنش‌های درآمدزایی نظیر زباله‌گردی، دست‌فروشی و مشابه آن است. با این همه مشارکت‌کنندگان به جهت برخی محدودیت‌ها نیز به چندگانگی شغلی پرداخته‌اند؛ از آنجا که زباله‌گردی با تحدید جدی ازسوی سازمان بازیافت شهری مواجه است، به زمان‌های کم‌ریسک محدود شده و درمقابل سایر کارهای درآمدزا اهمیت پیدا می‌کنند. این امر به‌واسطه الزام به درآمدزایی نیز تشدید شده است.

مصطفی می‌گوید:

«فقط شب امنیت دارم که بخوام آشغال جمع کنم. هر موقع روز جمع کردم این وانت‌های بازیافت با کتک از من گرفتند. مجبورم روزها برم کارگری و دست‌فروشی. خونه پاتوق گرون درمیاد دیگه. چاره‌ای نیست. هرکاری از دستم بریاد انجام می‌دم. صبح و ظهر و شب»

واسطه‌گری در امر درآمدزایی ذی‌نفعان خانه پاتوق: در خانه پاتوق، همه چیز با نظام اقتصادی گره خورده است. تأمین منابع مالی جهت اسکان، درآمدزایی مالکان و ذی‌نفعان، اقتصاد مواد مخدر، تبادلات مالی شبکه‌ای، زنان کارگر جنسی، بازی‌های قمارگونه گروهی، واسطه‌گری و زدوبند دوطرفه، همه به خانه پاتوق رنگ و لعابی اقتصادی داده است. در این میان، واسطه‌گری امری پراهمیت است. تأمین مشتریان مواد مخدر به عنوان یکی از اصلی‌ترین کنش‌ها در راستای تأمین منافع مالک و یا مالکان خانه پاتوق وجهی پراهمیت است.

مسعود می‌گوید:

«تمام تلاش من اینه که راضی نگه دارم همه رو. کلی مشتری جور می‌کنم تا خونه پاتوق سرپا باشه. بالاخره هم یک پولی به من می‌رسه هم به صاحب‌خونه هم به صاحب‌جنس. همه سود می‌برند این وسط. اگر دلالی من نباشه زمین می‌خوریم. چون کسی نباید خبردار بشه و ممکنه همه چی بره روی هوا باید خیلی هوش و ذکاوت به خرج بدی. آماتور باشی باختی. من کلاً توی کار مشتری جور کردنم برای مواد»

قاعده‌مندسازی و امنیت‌زایی شیوه رفت‌وآمد: ماهیت پنهانی خانه پاتوق الزامی را پدید آورده که در آن حراست از امنیت و پیشگیری از دستگیری، عنصری اساسی است. تمامی بازیگران عرصه خانه پاتوق به نحوی آموزش می‌یابند تا وجوه امنیت‌زای آن را به خوبی رعایت کنند. چنین امری به تداوم عمر خانه پاتوق‌ها و توسعه روابط آن کمک کرده است. بنابراین قاعده‌مندی رفت‌وآمدها در قامت یکی از وظایف بنیادین برعهده ذی‌نفعان شامل مشتریان و صاحبان خانه پاتوق است.

مجید می‌گوید:

«این‌که یک خونه پاتوق حدود ۷ سال داره کار می‌کنه کسی هم خبردار نشده از هنر اون آدم‌هاست. چه معنی داره هرکی هر موقع دلش خواست بیاد هر موقع حال کرد بره؟ اصلاً این‌طوری سنگ رو سنگ بند نمی‌شه که. خود من اگر قانون نگذاشته بودم که این‌جا اصول

داره تا الان ده بار دستگیر شده بودیم. شاید هرکی بیاد فکر کنه این‌جا هیچ‌کی به هیچ‌کبه این همه آدم پلاس شدن. ولی همه این‌ها می‌دونند کی بیان کی برن. چطوری بیان از کجا برن»

پیامدها

به نظر می‌رسد بحران طرد بی‌خانمان‌ها و واسپاری به مراکز غیررسمی نظیر خانه‌پاتوق، پیامدهای مختلفی را به دنبال داشته است:

محرومیت از خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد: ماهیت پنهانی خانه‌پاتوق‌ها و فراگیری حضور در آن از سوی کارتن‌خوابان شرایطی را نتیجه داده که در آن محرومیت از خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد امری آسیب‌زا بوده است. امروزه خیریه‌های مردمی با خدمات‌رسانی در حوزه‌های ترک اعتیاد، سلامت و اشتغال سعی در بازگرداندن کارتن‌خوابان به روند عادی زندگی داشته‌اند؛ درحالی‌که استمرار حضور در خانه‌پاتوق‌ها به عدم‌توفیق این سازمان‌ها در شناسایی بسیاری از کارتن‌خوابان دامن زده است. بنابراین یکی از پیامدهای گسترش خانه‌پاتوق‌ها، محرومیت از خدماتی اساسی و ضروری است.

محسن می‌گوید:

«توی پاتوق قبلاً بودم گاهی می‌مدن از ما تست هپاتیت می‌گرفتند یا غذا می‌دادند ولی خونه پاتوق که بیشتر میام از این خبرها نیست. دوست داشتم مثل پاتوق این‌جا هم بیان ولی ممکنه بینشون پلیس باشه یا مخبر همه مارو به فنا بدن. خلاصه ترس داره»

آسیب‌پذیری فزاینده زنان بی‌خانمان: در جریان حضور زنان در خانه‌پاتوق‌ها، رواج یافتن روابط جنسی برای درآمدزایی، موجب آسیب‌پذیری جسمی و روانی ایشان شده است. به‌نوعی پنهان‌بودگی زیست زنانه کارتن‌خوابی در بستر خانه‌پاتوق‌ها، به‌رغم مزیت‌هایی نظیر امنیت‌یابی نسبی، پیامدهای جدی نیز به دنبال داشته است. بیماری‌های مقاربتی، استئمار جنسی و انزوا از مخاطراتی است که چنین گروه‌هایی را تهدید می‌کند.

زهرآ می‌گوید:

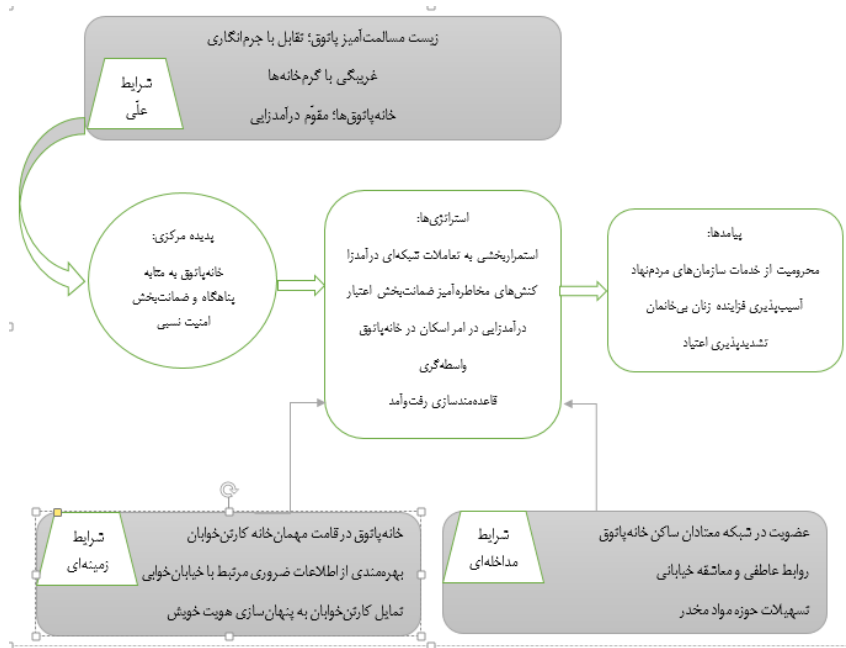
«من قبلاً خیلی رابطه داشتم چون خونه پاتوق قبلی به من به چشم دیگه‌ای نگاه می‌کرد. یک‌مدت مریض شده بودم. چندبار خواستم خودکشی کنم. از وقتی اومدم این‌جا هی بادک نیست. می‌گذره دیگه. کارتن‌خوابی برای زن‌ها خیلی سخت‌تره»

تشدیدپذیری اعتیاد: به واسطه حضور جمعی معتادان در خانه پاتوق‌ها، امکان مصرف انواع مواد مخدر فراهم شده و طی آن، پیشنهادات مختلفی مبنی بر مصرف مواد جدید ارائه می‌شود. چنین امری به تشدید اعتیاد و چندگانگی مصرف انجامیده است. مشارکت‌کنندگان با حضور در خانه پاتوق‌ها در فضایی پرمخاطره قرار گرفته‌اند؛ به طوری که با مصرف انواع مواد مخدر در معرض آسیب‌های جدی جسمانی قرار دارند.

محمدرضا می‌گوید:

«قبلنا مصرف من کلا کراک بود. یکی از بچه‌ها بهم گفت ترکیبی خیلی بهتره. دیگه هرچی بگی زدم من. از هروئین گرفته تا شیشه و سفید و بمبی و همه‌چی. خب من یکم زود شروع کردم. اخیراً تزریق می‌کنم چون بهتر جذب می‌شه. تزریق خیلی خطرناکه. رگم دیگه پیدا نمی‌شه»

مدل پارادایمی پژوهش



بحث و نتیجه‌گیری

آنچه که زمینه‌های شکل‌گیری زیستی پنهان در قالب خانه‌پاتوق را به وجود آورده، احساس نیاز کارتن‌خوابان به لوازم اصلی بقا و دست‌یابی به خواسته‌هایی اساسی بوده که چندان در دیگر فضاها یافت نمی‌شود. در واقع خانه‌پاتوق کارکردهای ویژه‌ای دارند. بهره‌مندی کارتن‌خوابان از مزایای آن و دسترسی به مواد مخدر و سایر ملزومات، آن را فراهم آورده است. در مطالعه پدیده خانه‌پاتوق‌ها، عناصری نظیر جرم‌انگاری بی‌خانمانی و غریبگی با گرم‌خانه‌ها، اهمیتی بی‌بدیل داشته‌اند. در اساس آنچه که پنهان‌سازی زیست خیابانی را به ذهن می‌آورد، ضرورت‌های زمینه‌ای و پذیرش مخاطرات همراه با دشواری‌های آن است. اگرچه حضور در خانه‌پاتوق‌ها نیازمند صرف هزینه‌هایی جدا بوده و کارتن‌خوابان با چندگانگی شغلی و واسطه‌گری در پی غلبه بر آن بوده‌اند، اما تخصیص بخش مهمی از درآمد روزانه به خانه‌پاتوق در مقابل حضور در گرم‌خانه‌ها و یا کمپ‌های رایگان، نشان‌دهنده دو وجه اساسی است: نخست آن‌که جرم‌انگاری بی‌خانمانی نیاز به پنهان‌سازی زیست خیابانی را نتیجه داده و دوم، اقبال کم کارتن‌خوابان به خدمات ارائه‌شده نظیر گرم‌خانه‌هاست. مطابق با پژوهش‌های شیر و همکاران (۲۰۰۷) و کالپین و همکاران (۲۰۰۷)، بی‌توجهی به نیازهای اصلی بی‌خانمان‌ها مانعی جدی بر سر راه جذب آنان است. به‌طورکلی خانه‌پاتوق ضمانت‌بخش آن‌چه که کارتن‌خوابان جویای آن هستند بوده است. بهره‌مندی از اطلاعات ضروری در عرصه زیست خیابانی، در بستر رفت و آمد به خانه‌پاتوق‌ها میسر شده است. پناه‌گاهی به نام خانه‌پاتوق که از نازل‌ترین امکانات برخوردار است و کارتن‌خوابان را گرد یکدیگر می‌آورد، فراهم‌ساز ویژگی‌های خانه است.

مطابق با رویکرد رلف، بهره‌مندی از هویت مکان، علاوه بر معنابخشی، محیط انسان‌ساخت را شکل می‌دهد. احساس داشتن سرپناه با حضور هرچند کوتاه در محلی که خانه را شبیه‌سازی می‌کند، خود زمینه‌ساز ترغیب کارتن‌خوابان به استمرار حضور در خانه‌پاتوق‌ها بوده است. آن‌گونه که رلف هویت مکان را شرح می‌دهد، به نظر می‌رسد شکل‌یابی هویت پاتوق با تزلزلی جدی مواجه است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که اساساً پاتوق‌های کارتن‌خوابی با مداخله جدی و قهری نیروهای انضباطی مواجه است. چنین امری نیاز به ساحتی ایمن ولو مخاطره‌آمیز را بیش از پیش ضروری می‌سازد. خانه‌پاتوق با توجه به زمینه‌های شکل‌گیری آن، نوعی

فراغتگاه بی‌خانمانی است که هویت مکانی را به اعضاء خویش اعطاء می‌کند. احساس همبستگی در مکانی واحد نظیر خانه‌پاتوق از آن حیث قابل اعتنا خواهد بود که حاضران در تجارب طردشدگی، اشتراکات فراوانی دارند. بر اساس نظریه شامای (۱۹۹۱)، تعلق به مکان از سوی ساکنان، خصیصه‌هایی نظیر تقدیر مشترک و فداکاری برای مکان را نتیجه داده است. بر این مبنا، کارتن‌خوابان با حضور در خانه‌پاتوق‌ها، مخاطرات دستگیری را به جان خریده و احساس هم‌پیوندی می‌کنند. طردشدگان فرودست که حول محور مواد مخدر و بی‌سرپناهی به شبکه‌سازی پرداخته‌اند، مطابق با رویکرد طرد اجتماعی در عمل به سمت وسوی مقابله با انزوا و طردشدگی گام برداشته‌اند. همان‌طور که هاروی (۲۰۱۲) اشاره دارد، مقابله با محدودیت‌های زیست‌خیابانی در قالب اجتماعات کارتن‌خوابی و دامن زدن به تشکیل یک پایگاه ثابت و ایمن، نوعی مواجهه در برابر سیاست‌های قهری نظام سرمایه‌داری بوده است که در مقام تأمین لوازم طردساز عمل کرده و در عمل با واسپاری گرم‌خانه‌ها به پیمانکاران، به‌طرز سودآوری که جنبه اقتصادی داشته، سخت‌گیری‌هایی را به‌وجود آورده است. پژوهش حاضر مطابق با نتایج براون (۲۰۰۵)، درباره افزایش محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌های فزاینده برای اسکان در گرم‌خانه‌ها گزارشی را ارائه کرده است.

همان‌طور که در یافته‌های پژوهش ذکر شد، کارتن‌خوابان در سایه طردشدگی، به دنبال پناه‌جویی، خانه‌پاتوق‌ها را برگزیده‌اند. برمبنای رویکرد طرد اجتماعی، نادیده‌انگاری کارتن‌خوابان، زمینه‌جدایی‌گزینی آنان را فراهم ساخته است. یافته‌های پژوهش مطابق با رویکرد طرد اجتماعی، جوانب عمده‌ای از طردشدگی را در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی منعکس ساخته است. تلاش برای کسب معیشت در حالتی پنهان، برگزیدن خانه‌پاتوق به عنوان پناهگاه و هراس از کمپ‌های خشونت‌بار، آینه‌ای از طردشدگی و نادیده‌انگاری است.

یافته‌های پژوهش هم‌راستا با نظریه شامای، نشان می‌دهد که همزیستی کارتن‌خوابان در خانه‌پاتوق با توجه به برپایی پیوندهای گروهی، نوعی تعلق به مکان را پدید آورده است. فداکاری برای مکان یکی از شواهد تأیید یافته‌های پژوهش حاضر برمبنای نظریه شامای است. به نظر می‌رسد حراست از مکان توسط کارتن‌خوابان، پیوندهای میان آنان را تعمیق ساخته است. کارتن‌خوابان ضمن همزیستی مسالمت‌آمیز، برمبنای رویکرد رلف، هویت مکان را تقویت

می‌سازند. یافته‌ها همچنین مطابق با رویکرد رلف، نشان‌دهنده شکل‌گیری هویت پاتوق در قامت معنابخشی به زندگی گروهی کارتن‌خوابان است.

یافته‌های پژوهش حاضر، با نتایج پژوهش‌های واتس (۲۰۱۸)، فیوراتی (۲۰۱۴) و بل و والش (۲۰۱۵) مطابق بوده است که فقر شدید در میان فرودستان بی‌خانمان خود زمینه‌ساز مسئله دیگری به نام طردشدگی و محرومیت از امکانات لازم جهت زیستن است. پرداختن به استراتژی‌های درآمدزا نظیر زباله‌گردی، روسپی‌گری و خریدوفروش مواد مخدر، در نتیجه محرومیت و جریان‌یابی اقتصاد غیررسمی بوده است. همان‌طور که پژوهش‌های کلانتری (۱۳۹۵)، دیاری (۱۳۹۷)، صدیق، نصراصفهانی (۱۳۸۹) و علیوردی‌نیا (۱۳۸۷) اشاره داشته، بی‌خانمانی در ایران دارای پیوندی اساسی با مواد مخدر است و خانه‌پاتوق‌ها در مقام تخصیص تسهیلات و مقابله با طرد فزاینده کارتن‌خوابان، با استقبال گروه‌های بی‌خانمان مواجه شده است. یافته‌های این پژوهش همچنین مطابق با یافته‌های پژوهش لانگنا (۲۰۰۴) است که شکل‌گیری سرمایه‌های این پژوهش برای مقابله با طردشدگی و تضمین بقا بوده است. استمرار حضور در خانه‌پاتوق‌ها ضامن بقای حداقلی بوده که در نتیجه ارتقای سرمایه‌های خیابانی صورت می‌پذیرد. همان‌طور که آیکانین و فوگل (۲۰۱۹) و رابینسون (۲۰۱۷) اشاره داشته‌اند، جرم‌انگاری بی‌خانمانی به شکل‌گیری زیست پنهان بی‌خانمان‌ها و پیامدهای جدی در پس آن دامن خواهد زد.

با این همه سرمایه‌های خیابانی در مواجهه با فضای تحت کنترل به دنبال حفظ حیات خود است. همان‌گونه که لوفور (۱۹۷۶) از کنترل‌گری فضا و رویکرد سرمایه‌داری سخن به میان می‌آورد، تهیدستان به نوعی تحت سیطره قدرت قرار گرفته‌اند. سیاست‌گذار به دنبال کنترل فضا و کسب منافع خویش است. خیابان‌خوابی حوزه کنترل‌گری را به مخاطره انداخته و یک خشونت مستتر به دنبال مقابله با فضای اشغال شده است. یافته‌ها مطابق با نظریه لوفور، به خوبی خشونت‌دیدگی تهیدستان بی‌خانمان را شرح داده است. تلاش برای کنترل فضا که امری سیاسی حیاتی نیز خواهد بود، با اقدامات مداخله‌جویانه و خشونت‌بار همراه بوده است. علاوه بر این، منافع حاصل از فضا با اشغال فضاها توسط خیابان‌خواب‌ها به خطر افتاده است. هراس از افت قیمت مسکن، تنزل چهره شهری و مخاברה آسیب‌های اجتماعی به رسانه‌ها، الگوهای

ضربتی و جرم‌انگاری خیابان‌خوابی را تشدید ساخته است. یافته‌های پژوهش مطابق با نظریه لوفور، نشان‌دهنده انزوای شدید خانه‌پاتوق‌هایی است که به دور از حیات شهری رقم خورده است. اساساً کارتن‌خوابان به دلیل خشونت‌ورزی نیروهای انضباط‌گرا، غالب خانه‌پاتوق‌ها را در حاشیه‌ای‌ترین نقاط حاشیه شهر برپا کرده‌اند.

مطابق با نظریه فوکو، برخوردهای انضباطی با فرودستان، نوعی جامعه زندان‌گونه را نتیجه داده که در آن فرودستان در پی بقا به کنش‌های بقاجویانه روی آورده‌اند. درحالت کلی فقدان یا سطح نازل حمایت از بی‌خانمان‌ها با واکنش‌هایی نظیر پنهان‌سازی زیست خویش مواجه شده است. چنین امری پیامدهای جدی به‌دنبال دارد. عدم استقبال از گرم‌خانه‌ها حتی در مواردی به فصول سرد سال نیز اشاعه پیدا کرده و کارتن‌خوابان در صورتی که از پس هزینه‌های لازم جهت بقایی بهتر در خانه‌پاتوق برآیند، تحت هیچ‌شرایطی حضور در خانه‌پاتوق را فدای حضور در گرم‌خانه نمی‌کنند. در مقابل کارتن‌خوابان فقیر با حضور ساعتی در خانه‌پاتوق‌ها از تسهیلاتی برخوردار می‌شوند که در مقابل، دولت و نهادهای ذی‌ربط توجه چندانی بدان نشان نداده‌اند.

یافته‌های پژوهش حاضر مطابق با نظریه فوکو، نشان‌دهنده قدرت‌نمایی نیروهای انضباطی در میادین شهر و فقدان قدرت کارتن‌خوابان در اماکن تعیین‌کننده نظیر پاتوق‌ها، گرم‌خانه‌ها و کمپ‌های اجباری است. فرودستان بی‌خانمان بی‌بهره از هرگونه قدرت، طردشدگانی‌اند که سرکوب آنان همواره با اعمال قدرت جریان‌های دنباله‌رو برقراری نظم در سطح شهر محقق شده است.

گریز از کمپ‌های اجباری متناسب به ماده ۱۶، درواقع هراس از جامعه زندان‌گونه‌ای است که قواعد سفت و سخت آن، نیازها، احساسات و خواسته‌های کارتن‌خوابان را برنمی‌تابد. شبکه قدرت حاکم بر گرم‌خانه‌ها، ضمن اعمال نفوذ بر عموم کارتن‌خوابان، در پی تحکیم جایگاه خویش است. این شبکه قدرت شامل متصدیان و کارکنان گرم‌خانه نیز می‌شود. انگیزه‌های مالی سبب شده تا واگذاری گرم‌خانه‌ها به پیمانکاران جنبه‌های اقتصادی و منفعت‌طلبی را نیز دربرداشته باشد. در حیات زندان‌گونه کمپ‌های اجباری و گرم‌خانه‌ها، همچنین انبوهی از تجارب ناخوشایند، نیاز به پاتوق غیررسمی را تشدید می‌سازد. یافته‌ها همسو با نظریه فوکو،

شواهد متعددی از قدرت‌پذیری فرودستان بی‌خانمان ارائه کرده است؛ تاجایی که کارتن‌خوابان به عنوان گروه‌های سودساز، در میان کمپ‌ها و گرم‌خانه‌ها دست به دست می‌شوند. این پژوهش به ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری تأکید کرده و مقابله قهری با خانه‌پاتوق‌ها را راهکاری مناسب نمی‌داند. از آنجایی که عموم برخوردهای صورت‌گرفته با کارتن‌خوابان دارای بار انضباطی بوده، استفاده از مددکاران و به رسمیت شناختن حقوق کارتن‌خوابان به عنوان شهروند، مقدمه بهبود وضعیت فرودستان بی‌خانمانی است که بارها تجربه حضور در کمپ‌های اجباری را داشته‌اند. در نهایت باید توجه داشت که جرم‌انگاری کارتن‌خوابی خود به انسجام شبکه‌ای منجر شده و لوازم مربوطه به بقای خیابان‌خوابی را فراهم می‌کند؛ کما این که گروه‌های پرشماری خود را بی‌نیاز از گرم‌خانه‌ها تصور کرده و شکل ایده‌الی زندگی خویش را حضور در خانه‌پاتوق‌ها می‌دانند. در حالت کلی خانه‌پاتوق، مکان ایده‌ال زیست افراد بی‌خانمان و نقطه مقابل کمپ‌های اجباری و مراکز گرم‌خانه است.

منابع

- ایتزن، دی استنلی؛ باکازین، ماکزین و کلی ایتزن اسمیت (۱۳۹۶). مسائل اجتماعی از دیدگاه انتقادی، ترجمه هوشنگ ناییبی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات با مشارکت شورای اجتماعی کشور
- ایثاری، مریم، شجاعی زند، علیرضا، آروین، بهاره (۱۳۹۸). تعاملات میان سیاست‌های شهری و زیست غیررسمی تهیدستان در فضای شهری: ارائه یک مدل نظری توسعه محلی (روستائی-شهری) *شهری*، 11(1), 1-24. doi: 10.22059/jrd.2019.74360
- آقایی، سیدسعید؛ کلدی، علیرضا؛ ثوقی، منصور ثوقی (۱۳۹۶). نقش فضای شهری بر زندگی روزمره کارتن‌خواب‌های شهر تهران. *مجله مطالعات جامعه‌شناسی، زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۳۷ علمی-پژوهشی (دانشگاه آزاد) (۱۸ صفحه - از ۷ تا ۲۴)*
- باروز، روجرز، پلیس، نیکلاس، کویلگارس، دوبرا (۱۳۹۶). بی‌خانمانی و سیاستگذاری اجتماعی، ترجمه محمد خانی، انتشارات علمی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۷). سیر اندیشه‌ها در شهر سازی (۳) از فضا تا مکان، صص ۱۸۱-۲۲۳، محمدپور، احمد (۱۳۸۹). طرح‌های تحقیق با روش‌های ترکیبی: اصول پارادایمی و روش‌های فنی، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۱۰، صص ۱۰۶-۱۴۱

- دیاری، مرتضی (۱۳۹۷). تحلیل روایت طرد اجتماعی زنان کارتن‌خواب در شهر تهران، (طرح پژوهشی)، تهران، مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران
- دیاری، مرتضی (۱۳۹۸). مطالعه طرد اجتماعی در بین گروه‌های آسیب‌پذیر (افراد کارتن‌خواب دو شهر تهران و مشهد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی
- زیبرا، مارتین (۱۳۸۵)، نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی، ترجمه سیدحسین حسینی، تهران، نشر آن
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۷). زندگی روزمره تهی‌دستان شهری. تهران: انتشارات آگاه
- صادقی فسایی، سهیلا، نیکدل، نرمین (۱۳۹۴). مطالعه کیفی از نحوه درک و تصور کنشگران از مصادیق تحقیر اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶(۲)، ۴۱-۵۸.
- علوردی نیا، اکبر (۱۳۸۷)، "جامعه‌شناسی کارتن‌خوابی"، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- غفاری، غلامرضا؛ حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۴). سیاست اجتماعی؛ بنیان‌های مفهومی و نظری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- فلیک، اووه (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- لوفور، هانری (۱۳۹۳). ماتریالیسم دیالکتیکی، ترجمه آیدین ترکمه، تهران: نشر تیسنا.
- کلاترتی، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام؛ نصرافهانی، آرش؛ آرام، هاشم (۱۳۹۵). سیاست‌گذاری اجتماعی در مواجهه با پدیده کارتن‌خوابی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران؛ شهرداری تهران، گروه پژوهش‌های راهبردی اجتماعی و فرهنگی
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ صادقی، علیرضا (۱۳۹۲). طرد اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت (بررسی مفهومی، دیدگاه‌های نظری و مطالعات موردی در ایران)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- واعظی، رضا؛ چگین، میثم؛ اصلی پور، حسین (۱۳۹۶). چالش‌های سیاست‌گذاری در حوزه گردشگری سلامت ایران مبتنی بر رویکرد تحلیل مضمون. فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال سیزدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۷، ۴۰-۱
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۸). گزارش یافته‌های طرح جمع‌آوری اطلاعات پروانه‌های ساختمانی صادر شده در سال ۱۳۹۸، تهران، ایران
- مشونیس، جان (۱۳۹۵). مسائل اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات

- نصر اصفهانی، آرش (۱۳۸۹) اعتیاد، طرد و کارتن‌خوابی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی گرایش جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- هاروی، دیوید (۱۳۹۵). از حق به شهر تا شهرهای شورشی، ترجمه خسرو کلانتری و پرویز صداقت، تهران، انتشارات آگاه
- Bell, M., & Walsh, C. A. (2015). Finding a Place to Belong: The Role of Social Inclusion in the Lives of Homeless Men. *The Qualitative Report*, 20(12), 1974-1994. Retrieved from <https://nsuworks.nova.edu/tqr/vol20/iss12/4>
- Chamberlain, C., & Johnson, G. (2011). Pathways into adult homelessness. *Journal of Sociology*, 2011 The Australian Sociological Association, 1-18 DOI:10.1177/1440783311422458
- Chamberlain, C. (2014) Homelessness: re-shaping the policy agenda?, AHURI Final Report No.221. Melbourne: Australian Housing and Urban Research Institute. Available from: <<http://www.ahuri.edu.au/publications/projects/p53017>>.
- Carmona, Mathew, (2006), "Public places, urban spaces", Architectural press, Elsevier, Oxford.
- Culhane, D. P., Metraux, S., Park, J., Schretzman, M., & Valente, J. (2007). Testing a Typology of Family Homelessness Based on Patterns of Public Shelter Utilization in Four U.S. Jurisdictions: Implications for Policy and Program Planning
- Cunningham, M. J., & Slade, A. (2019). Exploring the lived experience of homelessness from an occupational perspective. *Scandinavian journal of occupational therapy*, 26(1), 19-32.
- Doug A Timmer, D Stanley Eitzen, Kathryn D. Talley, D Stanley Eitzen (2019). Paths to Homelessness, Extreme Poverty and The Urban Housing Crisis. Published by Routledge 52 Vanderbilt Avenue, New York, NY 10017
- Fiorati, R. Carretta, R. Kebbe, L. (2014). Inequalities and Social Exclusion among Homeless People: A Brazilian Study. *American International Journal of Social Science*. Vol. 3, No. 6
- John R. Belcher & Bruce R. DeForge (2012) Social Stigma and Homelessness: The Limits of Social Change, *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 22:8, 929-946, DOI: 10.1080/10911359.2012.707941
- Györi, P. (2009): Változás és állandóság – a hajléktalanügy elmúlt húsz évről [Change and permanence – on the past twenty years of the issue of homelessness]. Presentation at the Hajléktalanügyi országos konferencia (Balatonföldvár, Hungary).
- Harvey, D. (2012). *Rebel cities: from the right to the city to the urban revolution*. Verso Books.
- Hasket, M. Perlman, S. Cowan, B (2014). Supporting families experiencing homelessness: Current practices and future directions, Springer New York Heidelberg Dordrecht London. DOI 10.1007/978-1-4614-8718-0
- Hayes, Alan, Gray, Matthew, Edwards, Ben (2008). Social inclusion [electronic resource]: origins, concepts and key themes. "Paper prepared by the Australian Institute of Family Studies for the Social Inclusion Unit, Department of the Prime Minister and Cabinet" "October 2008"
- Lankenau, S. E., Clatts, M. C., Welle, D., Goldsamt, L. A., & Gwadz, M. V. (2004). Street careers: Homelessness, drug use, and sex work among YMSM. *International Journal of Drug Policy*, 16, 10-18.

- Lefebvre, Henri (1976). Reflections on the politics of space, Translated by Michael J. Enders, Antipode, A radical *Journal of Geography*.
- Miranda Jane Cunningham & Anita Slade (2017): Exploring the lived experience of homelessness from an occupational perspective, *Scandinavian Journal of Occupational Therapy*, DOI: 10.1080/11038128.2017.1304572
- Patton, M. (2002). *Qualitative research and evaluation methods*. Thousand Oaks: California.
- Peter Somerville (2013) *Understanding Homelessness, Housing, Theory and Society*, 30:4, 384-415, DOI: 10.1080/14036096.2012.756096
- Robinson, T. (2017). *No Right to Rest. Urban Affairs Review, Police Enforcement Patterns and Quality of Life Consequences of the Criminalization of homelessness* doi:10.1177/1078087417690833
- Aykanian, A, Fogel, S. (2019). *The Criminalization of Homelessness, Homelessness Prevention and Intervention in Social Work* pp 185-205
- Raven hill, Megan (2008) *The culture of homelessness*. Ashgate Publishing, Hampshire, UK
- Shier, M., C. A. Walsh and J. R. Graham. 2007. "Conceptualizing Optimum Homeless Shelter Service Delivery: The Interconnection between Programming, Community, and the Built Environment." *Canadian Journal of Urban Studies*, 16(1): 58-75.
- Shamai, Shmuel (1991), *Sense of place: An empirical measurement*, Isreal, *Geoforum* volume 22, pp. 347-358.
- Tyner, James (2012). *Space, place, and violence: violence and the embodied geographies of race, sex, and gender*, first published 2012 by Routledge 711 Third Avenue, New York, NY 10017
- WATTS, B. FITZPATRICK, S. JOHNSEN, S. (2018). *Controlling Homeless People? Power, Interventionism and Legitimacy*. *Journal of Social Policy*. Vol 47.
- WEISBURD, D., WYCKOFF, L. A., READY, J., ECK, J. E., HINKLE, J. C., & GAJEWSKI, F. (2006). *DOES CRIME JUST MOVE AROUND THE CORNER? A CONTROLLED STUDY OF SPATIAL DISPLACEMENT AND DIFFUSION OF CRIME CONTROL BENEFITS*. *Criminology*, 44(3), 549-592. doi:10.1111/j.1745-9125.2006.00057.x